

دوره ششم تقنینیه

# مذاکرات مجلس

شماره

۱۷۳

جلسه

۲۰۸

تاریخ تأسیس آذر

۱۳۰۵

جلسه شنبه ۲۱

بهمن ماه ۱۳۰۶

مطابق ۱۸ شعبان المعظم

۱۳۴۶

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود.

مطبعة مجلس

قیمه اشتراك

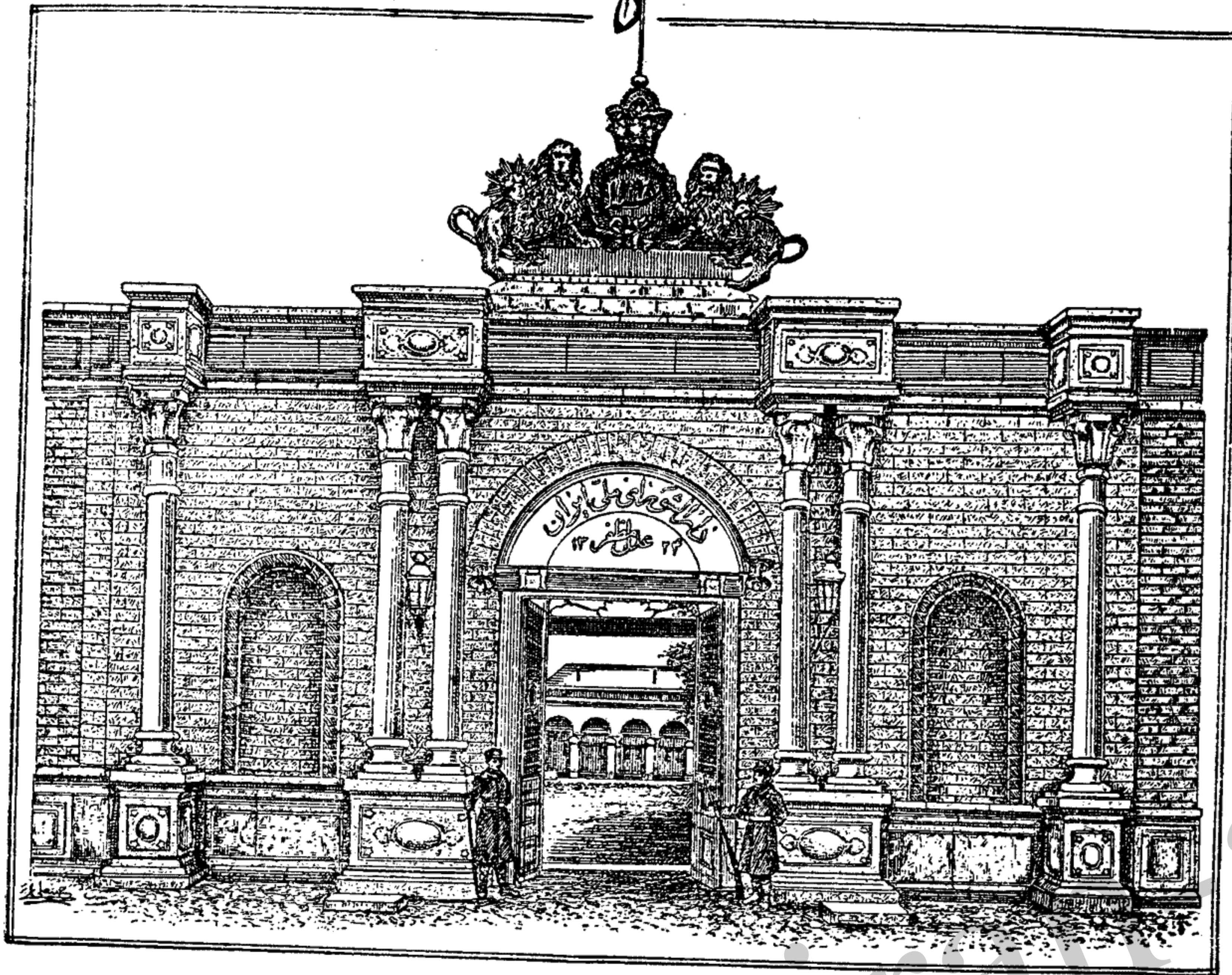
داخله ایران سالبانه ده تومان

خارجه « دوازده تومان

قیمه تک شماره

یک قران

# فهرست مندرجات



ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	بقیه شور و مذاکرات نسبت بنجر قوانین عدلیه راجع به ثبت اسناد و مرور زمان	۳۵۴۹	۳۵۶۷
۲	قانون ثبت عمومی املاک و مرور زمان	۳۵۶۸	۳۵۷۰

## مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس شنبه ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۸ شعبان المعظم ۱۳۴۶

### جلسه ۲۰۸

(مجلس دو ساعت نیم قبل از ظهر  
براست آقای پیرنیا تشکیل گردید)  
(صورت مجلس یوم پنجشنبه نوزدهم  
بهمن را آقای دولت شاهی قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل  
آقایان: دنتی - بحیبی خان زنگنه  
غائبین با اجازه جلسه قبل  
آقایان: اسدی - اعظمی - نظام مافی - حاج شیخ

بیات - حاج حسن آقا ملک - بنی سلیبان - میرزا  
ابراهیم آشتیانی - میرزا حسن خان وثوق - محمود رضا  
حاج غلامحسین ملک - حقنویس - افخمی  
در آمدگان بی اجازه جلسه قبل  
آقایان: مرتضی قلی خان بیات - امام جمعه شیراز  
زوار - نجومی قوام شیرازی سلطان محمد خان عامری -  
زعیم -

رئیس - صورت مجلس ایرادی ندارد؟

(مقتضی - خیر)

رئیس - قانون ثبت اسناد از ماده دوم مطرح است  
(ماده مزبور بشرح ذیل قرائت شد)

ماده دوم - عایدات حاصله از اجرای این قانون در  
درجه اول صرف توسعه ادارات ثبت و اضافه آن صرف  
توسعه تشکیلات قضائی مملکت خواهد شد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده نمیدانم چرا يك ترتیبی پیش  
آمده است که در هر جائی که يك عایدی پیدا میشود  
يك محلی تراش معین میکنیم این ترتیب را بنده عقیده  
ندارم باید مالیه مملکت همه اش در یکجا تمرکز پیدا  
کند هر اندازه که خرج دارد خرجش را بیاورند از  
مجلس و بگویند این اداره ده هزار تومان صد هزار تومان  
يك میلیون خرج دارد این را تصویب کنید بهر حال  
بنده با این ماده مخالفم و عقیده ندارم

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم که اگر اوضاع  
مملکتی خودمان را در نظر بگیریم بهترین ترتیبات این  
خواهد بود که هر عایداتی که پیدا میکنیم محل خرجش  
هم معین باشد مخصوصاً در این قسمت از نقطه نظر اینکه  
تشکیلات ثبت يك مخارجی دارد و اگر بخواهیم این  
مطلب خوب پیش برود باید تشکیلات خیلی وسیع داشته  
باشد و بعد هم چون بستگی دارد با تشکیلات قضائی اگر  
آنچه هم از این راه عایدات پیدا شود ما صرف امور

قضائی کنیم گمان میکنم بهترین وسیله باشد از برای  
اینکه فکر خودمان را بتوانیم تعقیب کنیم و الا برود  
جزو عایدات مملکتی بعد هم تقسیم شود بین وزارتخانهها  
و آنوقت بخواهند يك سهمی هم به اینجا بدهند کار  
لك میباید و مصلحت نیست پس خوبست آقا موافقت  
بفرمایند که همینطور رفتار شود

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی

حاج میرزا مرتضی - بنده همانطور که آقای فیروز آبادی فرمودند  
با این ماده مخالفم برای اینکه مخالف با تمرکز عایدات است  
آقای وزیر عدلیه فرمودند که بهترین ترتیب این است که هر  
عایدی که پیدا میشود خرجش در مقابلش باشد در  
صورتیکه این اصول بالاخره تمرکز عایدات را از بین  
میبرد و بر خلاف ترتیبات قوانین جاریه است بهترین  
ترتیبات این است که هر عایدی که پیدا میشود در مالیه  
تمرکز پیدا کند و هر خرجی هم که برای هر اداره  
لازم میشود بیاورند در مجلس تصویب کنند بعد خرج  
کنند پس این عایداتی که از این راه پیدا میشود میبرد  
جزو خزانه مملکت آقای وزیر عدلیه عرض فرمایند  
توسعه ثبت املاک مخارج لازمشان بشود ممکن است پیشنهاد  
کنند مجلس و بعد از تصویب خرج کنند و ابتداً  
نقصی هم در تمرکز عایدات وارد نیاید پس بهترین است  
که آقای وزیر هم با این ترتیب موافقت بفرمایند که این  
ماده از بین نرود

رئیس - آقای بامداد

بامداد - عرض کنم این اصل خیلی محرز است که  
مجلس شورای ملی مدتی است به این مسئله توجه دارد  
و تمام نمایندگان متوجهند که عایدات باید مرکزیت  
پیدا کند یعنی چه؟ یعنی بيك صندوق وارد شود و  
مطابق اسناد خرج از بيك صندوق خارج شود این معنی  
مرکزیت عایدات است وقتی هم که اینجا در ماده دوم  
يك عایدی را تخصیص بيك خرجی میدهند این منافات  
با مرکزیت ندارد زیرا باز الان عوائد بعدلیه میبرد

برمیگردد بخزانه منتهی خزانه به حساب عدلیه و به  
حساب توسعه تشکیلات عدلیه نگاهداری میکند و این  
هم يك چیز نازه نیست شما يك قسمت عوائد مهم دارید  
که نصف عایدات کل بودجه شما است و ان عوائد  
انحصاری است که همین مجلس مخصوص کرده است  
بيك خرج معینی و هیچکس حق ندارد که به او دست  
بزند يك حساب معین و يك خرج معینی بحکم تصویب  
مجلس اختصاص داده شده است حالا هم اینجا يك عوائدی  
از ثبت اسناد پیدا میشود اولاً مجبور است ثبت اسناد  
حساب علیحده داشته باشد چون دو بیست هزار تومان  
از مالیه قرض کرده است و مجبور است حساب علیحده  
داشته باشد که آن قرض را بپردازد. ثانیاً تشکیلات  
قضائی ما کاملاً فقیر است همه داد میزنند من جمله بنده  
اطلاعاتی که دارم این است که مثلاً تشکیلات قضائی  
فارس کم است و ناقص. وقتی که به وزیر مراجعه  
میکنیم میگویند محل ندارم پس بهتر این است که همین  
عوائد بحکم تصویب مجلس مخصوص بشود به تشکیلات  
قضائی و با تمرکز عایدات هم هیچ منافاتی ندارد تخصیص  
داده میشود به تشکیلات قضائی و وارد خزانه میشود  
منتها بحساب عدلیه و بنده گمان میکنم که منافاتی هم نداشته باشد

رئیس - آقای استرآبادی

استرآبادی - بنده در ماده سوم عرضی دارم

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - بنده کاملاً موافقم با اینکه هر قانونی که  
يك عایداتی دارد مخارجش هم در مقابلش باشد ولی این  
ماده بکفایتی ابهام دارد و معلوم نیست که آیا فقط با  
تشخیص وزیر عدلیه است یا اینکه دولت هم تصویب  
خواهد کرد یا این که وزارت مالیه نظارت خواهد داشت  
بالاخره خوبست آقای وزیر این را توضیح بدهند چون  
اینجا فقط میگوید عوائد حاصله صرف توسعه تشکیلات  
عدلیه و ادارات ثبت اسناد خواهد شد از این جهت  
است که بنده خیال میکنم که محتاج به اصلاح باشد

و بنظارت وزارت مالیه نوشته شود  
وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم که اصلاً نظارت  
وزارت مالیه لازم نباشد برای این که در هر حال  
يك مخارجی که می شود باید وزارت مالیه نظارت  
کند فرض بفرمائید يك عایداتی است که مجلس اختصاص  
داده است به بلدیة خرجش را وزارت فواید عامه میکند  
ولی وزارت مالیه هم نظارت دارد

جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است

رئیس - رای میگیریم بماده دوم آقایانیکه موافقتند

قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده سوم قرائت میشود

(اینطور خوانده شد)

ماده سوم - مدت مرور زمان نسبت به قبل از  
تصویب این قانون از تاریخ منشاء دعوی چهل سال  
شمسی است

صاحب دعوی میتواند هرگاه از تاریخ منشاء دعوی  
کمتر از چهل سال گذشته از بقیه مدت تا چهل سال  
شمسی استفاده کنند به این ترتیب و بهر دعوائی نسبت  
بعین غیر منقول که بعنوان مالکیت در تصرف کسی است  
هرگاه تاریخ منشاء و سبب تولید دعوی چهل سال شمسی  
یا زیاده قبل از تصویب این قانون بوده و در مدت  
چهل سال شمسی هم در هیچیک از محاکم وقت اقامه  
نشده بتقاضای مدعی علیه که باید تا اعلان ختم محاکمه در  
مرحله ابتدائی بعمل آید محکمه قرار منع تعقیب  
دعوی را خواهد داد و هرگاه تاریخ منشاء و سبب تولید  
دعوی کمتر از چهل سال شمسی باشد تاختم چهل سال  
شمسی پذیرفته خواهد شد.

مدت مرور زمان راجع بدعای نسبت بعین غیر منقول  
که پس از تصویب این قانون تولید میشود از تاریخ  
منشاء دعوی بیست سال است

تبصره - در مرحله استینافی فقط وقتی میتوان از

مرور زمان استفاده کرد که از حکم غیابی استیناف شده باشد  
رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی -- بنده دیروز عرض کردم عقیده خودم این است که جلوگیری از تقلبات را بموجب مجازات میشود کرد. باید کاغذ ساز را بیآورند و مطابق قانون شرع مجازات کنند. آن کسی که مهرنا حق پای کاغذی میزند او هم باید مجازات شود.

در شرع اسلام هیچ چیزی را فروگذار نکرده و این مرور زمان هم برخلاف شرع است اما حالا میفرمائید لازم است و مجلس صلاح میداند بنده که نمیتوانم با اکثریت مجلس مخالفت کنم بالاخره بنده عقیده ام این است که مدت پنجاه سال و بیست و پنجسال باشد حالا بعضی ها کمتر عقیده دارند خودشان میدانند عقیده شخصی بنده این است که چهل سال پنجاه سال و بیست سال بیست و پنج سال باشد

رئیس -- آقای عمادی

عمادی -- اساساً اگر خود آقا به فلسفه این ماده پی ببرند شاید مدتش را کمتر هم میکردند برای اینکه چیزی که وادار کرده است آقای وزیر عدلیه و سایر آقایان نمایندگان را نسبت به این ماده کثرت دسیسه و تقلبات نسبت به املاک بوده است به این جهت این ماده وضع شد که این تقلبات از بین برود بنا بر این حضرتعالی هم بایستی به فلسفه این ماده پی ببرید یعنی چهل سال را ده سال و بیست و پنجسال را پنجسال کنید بهر حال بنده گمان میکنم بهمین طریقی که در ماده نوشته شده است اگر حضرت آقا هم قناعت کنند بهتر است

رئیس -- آقای حاج میرزا مرتضی

حاج میرزا مرتضی -- بنده اولاً خدا را بشهادت میطلبم در این قانون و این ماده نظری بموافق یا مخالفت با دولت ندارم و آنچه که عرض می کنم عقیده خودم

میفرمایند ما مهندس که نداریم که برود تعیین حدود کند اول نزاع در همین جا است که حدود املاک معلوم نمیشود برای کسی که بخواید مرافعه بخرد یا شر بخرد در اینجا هم میتواند همان دعاوی را که راجع به اصل املاک میکند در حدود هم بکند و آنوقت يك دعاوی دیگری مجدداً در این مملکت تجدید میشود و هیچ فایده و نتیجه هم برای جلوگیری از تقلبات حاصل نمیشود و بعلاوه يك قانون هم در مجلس گذشته است که هم برخلاف شرع و هم برخلاف قانون اساسی است  
رئیس -- آقای میرزا عبدالله خان وثوق

میرزا عبدالله خان وثوق -- بنده اجازه خودم را را به آقای دادگر واگذار میکنم

دادگر -- بنده هم نوبه خود را با آقای مدرس تقدیم میکنم که برای مذاکره در این مطلب اصلح هستند.

رئیس -- آقای مدرس

مدرس -- گرچه بنده نمیخواهم در يك مطالبی که نظری است در این جا صحبت داشته بشود ولیکن مجبوریم چه کنیم. بعقیده بنده دو جمله است که خیلی بزرگ است و عظمتش را نمیتوانم عرض کنم. یکی اینکه گفته شود مطلبی موافق شرع اسلام است یا گفته شود مخالف شرع اسلام است (نمایندگان -- صحیح است) این دو مطلب عظیم است و من یقین دارم آقایانی که این جا تشریف دارند که سهل است که از بزرگان و رؤسا هستند حتی آن اطفال صغیر کوچکی هم که در آن بیغوله های ایلات منزل دارند قواعد اسلام جزء و کلاء نزد آنها محترم است (نمایندگان -- صحیح است) بلکه امروز تمام دنیا قواعد اسلام پیشش محترم است قانون اسلام يك قانون نیست که زور بخوایم نگاهش داریم خودش نگهداری خودش را میکند و خودش سربان و جریان دارد خدا رحمت کند مرحوم میرزا حسین خان سپهسالار را من که خدمتش رسیده بودم و بعقیده من شخص بزرگی بوده است و بنا کرده یکی بجهت تعلیم

و تعلم قانون و يك بنا هم بجهت تنظیمات و ترتیبات اجرای قانون و اگر کسی وقف نامه آن مرحوم را به بیند و دستور هائی که از برای تحصیلات در آن وقف نامه ذکر کرده است می بیند که تنظیمات و اصلاح دستورات و پروگرام هائی که آن مرحوم مقرر داشته هیچ نسبت به پروگرام جامع الازهر نداشته است و البته نظرش این بوده است که در آن بنا تعلیم و تعلم قانون بشود از ابتدائی و متوسطه و انتهائی و در این جا هم که مملکت مشروطه بشود کیفیت تنظیم و ترتیب اداری و اجراء آن را صحبت کنیم این جا این صحبت بشود آنجا هم آن صحبت بشود. لذا می بینید که بنده در این جا از مطالب قانون و اینها کمتر تصریحاً خدمت آقایان عرض میکنم آمدیم سر مسئله قانون خودمان که ثبت اسناد باشد و اسمش را بگذاریم قانون مرور زمان. اما ثبت اسناد همین جوری که دیروز اشاره کردند يك مسئله تنظیمات اداری مملکتی است. هر هیئت اجتماعی که جمع میشوند البته يك تنظیماتی در ترتیبات اداریشان میدهند در کتب فقها پر است (و يستحب للوالی و للقاضی) این که امور واقعه را ثبت کنند از برای اینکه والی و قاضی که بعد می آید بناها رجوع بکنند مسوق شود خصوص نسبت به مجبورین و محبوسین و غائبین و غیره و غیره منتها مسئله این است که عقلای دنیا از ما پیش افتادند این مطالب را گرفتند و استفاده کردند و همینطوری که فرمودند تکمیل کردند و ما بیچاره های بد بخت از بدبختی مان و کم رجالیان هر چه داشتیم از دست دادیم حالا که بیدار شده ایم می بینیم خیلی عقیم و الا ثبت کردن املاک ضرری ندارد خدا هم در قرآن میفرماید که بنویسید و محکم کنید. ثبت کردن و محکم کردن هیچ نفی مالکیت کسی را نمیکند استحکام مالکیت مرا میکند اما نفی حق مرا نمیکند مگر اسنادی که سابق درست میکردیم به مهر آقایان جج اسلام و مهر شهود معتبر نمیرساندیم؟ این

بواسطه این است که محکم بشود. ملکیت و حقوق هر کس سر جای خودش هست. آمدیم سر مسئله مرور زمان بلا تشبیه بیک عبارتی است لابد مال بزرگان است الجاهل اما مفرط او مفرط. ما خاطرمان می آید بعد از آنکه این قوانین محاکات حقوقی را آقایان در کمیسیون عدلیه نوشتند و بنده هم بودم خیلی در ایران صدا و ندا بلند شد که گفتند رجوع بعدلیه خلاف شرع است هر چه گفتیم (بلا تشبیه به آقای وزیر عدلیه) این عدلیه همان نایب حیدر سابق (خنده نمایندگان) سابق بر این یک کسی را از این جا میفرستادند بیک جائی اسمش را می گذاشتند نایب حیدر و میرفت در یکجائی ضعیفه میآمد پیش او اظهاری میکرد که این واقعه اتفاق افتاده او هم سندش را می دید و رسیدگی میکرد حالا ترتیب دیگری درست کرده اند. یعنی نایب حیدر را تجزیه کرده اند. یک تکه تکه اش را گذاشته اند روی یک صندلی اسمش را گذاشته اند رئیس احضار. یک تکه اش را گذاشته اند روی یک صندلی اسمش را گذاشته اند رئیس اجراء و ربطی به قضاوت ندارد. می گفتیم این همان حاکم سابق است. نخرج نمی رفت حاکم بهش گفتن خلاف شرع نیست اما قاضی گفتن خلاف شرع است!! در صورتیکه هر دو از یک ماده است!! چه خاکی تر سر کنیم؟! تقصیر ما نیست. زمینیه مملکت این جور است. البته قضاوتی که لای مجلس فی هذا المجلس الانبی او وصی او مؤمن امتحن الله قلبه بالايمان آن است به بینه و یمن قضیت بگوید که حلال را حرام بکنند. من خودم از باب اتفاق مرفعه پیدا کردم (آقای فیروز آبادی ملتفت هستند) یک کسی در ملک موقوفه فنانی کند برایش بیغام داد که بیا برویم مرافعه من تا تو می آیم میرویم پیش حاکم شرع اگر بر خلاف عقیده من حکم کرد من اطاعت میکنم. چون شارع بمن گفته است اطاعت کنم و الا باسناد و شواهد و دلائل رجوع کردن از روی معلومات حسیه با یک چیزی را از باب

به عدلیه رجوع نکنید خلاف شرع است! دعوی چهل سال پیش از این به ما هم که رجوع میشود عاجزیم آخرش مگر رجوع به قسم شود و الا دعوی چهل سال پنجاه سال پیش از این فهمیداش خیلی مشکل است با وجود این بنده مخالف عقیده آقای حاج میرزا مرتضی نیستم. اسلام یک اصولی دارد. اصول مسلم است ولی در جزئیات و تطبیقات بعضی اوقات اختلافات پیدا میشود. این را هم بنده مرافعه نمیکنم ولی عرض میکنم که یک همچو شبهه امروزه از آقایان در مجلس سزاوار نیست امروز صد میلیون شیعه و دو بیست میلیون مسلم مترصد این مجلس شورای ملی هستند یک چیزی اسم برده شود خلاف شرع است رد شود یا قبول شود اصلا خیلی مشکل است. بنده که بکنفر طلبه هستم و همه آقایان هم اخلاص دارم. منزلشان منزلان. توی تنفس مذاکره میکنیم. هر کدام شبهه داریم می نشینیم و در این مقوله صحبت میکنیم تا مطلب مکشوف شود بنده از آقای رئیس توقع میکنم یک روز دو روز مجلس را هم تعطیل کنند میرویم در اطاق تنفس و مسئله را حل میکنیم این مسئله را باید بزرگ بشماریم عظمت ما در دنیا به قانون اسلام است (نمایندگان - صحیح است) و بدانید که این قانون است که ما را نگاه میدارد (نمایندگان - صحیح است) وای بر ما اگر روزی نسبت به این قانون بی اعتنا شویم. آن روز نه مملکت برای ما می ماند و نه شرافت (نمایندگان - صحیح است) هر وقت که همچو شبهه اتفاق میافتد تشریف میآورید می نشینیم حل میکنیم. الحمدلله اکثر اهل علم هستند. البته بنده تنقید نمیکنم نظریات آقای حاج میرزا مرتضی را اصول مسلمه هست ولی در تطبیقات و جزئیات البته ممکن است بر بنده اشتباه شود. امروز مباحثه میکنیم شب میرویم منزل میبینیم اشتباه کرده ایم فردا می آیم بر میگردانیم البته انسان فراموش کننده است. سهو کننده است. پس مرور زمان که گفته اند مبنی بر این است که عدلیه

میگوبد من نمیتوانم قبول کنم. حالا این ها دو نفر مسلمانند. حقی با هم دارند. خوب بروند جای دیگر حل کنند. به حکمیت. به محضر شرع حل کنند ولی یک حرف ممکن است گفته شود که وقتی مدعی علیه دید بمن این جواب را دادند فرار میکنند میروند بی کارش. اطاعت مدعی را نمیکنند. این مسئله را یک جور جوی جلوگیری کنید. در کمیسیون هم که بودیم من خدمت آقایان عرض کردم. آقای جشیدی شاید خوب خاطرشان باشد. گفتیم چیزی که ممکن است گفته شود دو حرف است یکی قانون اساسی است (مسئله شرح لمعه و قوانین و اینها را بگذارید کنار) چیزی که ممکن است آقایان بفرمایند این است که قانون اساسی میگوید مرجع تمام نظامات عمومی عدلیه است. شما که میگوئید من نمیتوانم پس من چکار کنم؟ گفتیم جوابش این است که من تقاضای شما را می پذیریم اما عرض میکنم من نمیتوانم. که قانون اساسی میگوید مرجع تمام نظامات عمومی عدلیه است و آقای وزیر عدلیه هم سالی یک کرور میگیرند اما میگوید من تقاضای شما را پذیرفم اما نمیتوانم حل کنم.... معتقد استرآبادی - پس ارجاع به محضر شرع بدینند مدرس بسیار خوب صبر کنید. آقای استرآبادی فرمودند ارجاع به محضر کنید. مدعی باید ادعا کند اگر من آدم ادعا کردم که از آقای استرآبادی یک دانه جواهر الماس یک منی طلب دارم یک عریضه هم نوشتم پایش را هم تمیز کردم دارم به عدلیه چه کند آقا؟ بفرمائید (لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین) دعوی باید عقلائی باشد اگر دعوی عقلائی نباشد حاکم شرع هم گوش نمیدهد. بسم الله من نمیتوانم تو میگوئی پنجاه سال قبل از این حاج میرزا آقاسی مرده یک ارثی به عروسش رسیده عروسش به عروس فلان شوهر کرده حالا مرافعه پیدا شده. من نمیتوانم این مسئله را بپذیرم و یکی از طرفینش را بچرانم که به او بگویم برو یا باین یکی بگویم برو به محضر. یک طرفی باید بچربد که من

و بگویم برو من چه حق دارم آقا؟ يك كسي آمد پیش من عرض شد فلان کس را از کارش بیکار کنند بگویند؟ شما نایک راه مرجعی برای يك طرف نباشد نمیتوانید و را بچربانید و در مقام احقاق حق برآئید عدلیه بگویند پنجاه سال است مملکتی در تصرف این است و هم يك ادعائی از پنجاه سال قبل میکنی من اینجا بگویم نمیتوانم بکطرف را بچربانم و بگویم برو پیش حاکم شرع برو.

بناظر از نمایندگان - خودش هم نمیرود

مدرس - نمیرود؟ بسیار خوب پس علاجی برای این کار نیستید که برود يك كسي (برو آید) را کشید گفت که مردی به ایست گفت زخم و در میروم، میگوید بانا... میگوید بروید در محضر شرع میگوید من مسلمانم نمیروم پس يك علاجی از برای این کار باید کرد که دعای غنم و معطل نماید این را بنده تصدیق دارم این مسئله را تا مین کشید آن روز خدمت آقایان عرض کردم (اگر خطرشان باشد) که بنده يك فکری کردم آقای داور به آقای وزیر برشان ناگوار شد. گفتم حالا که ناگوار است بگذارید توی بغلتان اگر مجلس بروزش را نداد شما هم بروزش را ندهید. اگر دیدید مجلس این شبهه را قوی دانست که باید همه شبهات و احتمالات را جلوگیری کرد مهیا ممکن کار مردم را اصلاح کرد و این يك راه اصلاحی است که اگر مدعی علیه بخواهد در برودنتواند آنوقت شما قبول کنید حالا هم اگر آقای وزیر برشان ناگوار نباشد آقایان دیگر هم برشان ناگوار نباشد بنده يك نیم سطرى پیشنهاد کرده ام توی بغل ایشان است خود من هم یادداشت کرده ام که بادم زود. لذابنده عقیده ام بر این است که این يك قانون مملکتی است. کیفیت اجرا و استحکام املاک است. اگر شما آزار رد کردید من بشما قول میدهم که هیچ غصه نمى خورم اگر هم قبول کردید که يك قانون است برای املاک ولی يك عیب های اساسی است که من مجبورم بعقیده خودم

تذکر بدهم شاید يك كسى عیب اساسی درش نه بیند ولی اگر آقای وزیر آن نیم سطر را توجه بفرمایند و ضمیمه بفرمایند بعقیده من اشکال آقای محمد هاشم میرزای خود مان و اشکالات سایرین هم رفع میشود. حالا بنده يك الزام فوق العاده در این مسئله ندارم بجهت این که اگر واقعاً بقول بعضی از آقایان شرخری است که هیچ اگر نیست باید حاضر شوند به حکمیت یا رجوع بمحضر شرع کنند و طی گفتگو شان را بکنند، اما انصاف بدهید که عدلیه وقایع چهل ساله و پنجاه ساله را نمیتواند رسیدگی کند خدا میداند تفق افتاده است دو سال یکسال در يك مسئله غور رسی کردیم اما چون مسئله بک قدری قدیمی بوده است نتوانسته ایم حل کنیم و فقط به قسم حل کرده ایم چون بيك آثار و اسناد و يك کاغذ هائی نمى شود. خیلی عذر میخواهم اصلاً کلیه دم نمىخواهد در اینگونه مطالب عریضی بکنم مخصوصاً با اینکه حال ندارم بخصوص که با این کابینه موافق نیستم باید برشان هم موافق نیستم لیکن معذالك مجبور میشوم که يك عریضی بکنم جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای حاج میرزا مرزى

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم بعد از نطق آقای مدرس تنفس داده شود

رئیس - بفرمائید

حاج میرزا مرزى - آقای مدرس فرمودند که بعضی مسائلى است که نباید در مجلس صحبت شود بنده برای این عرضی که کردم چندین دلیل دارم و همینطور که گفتند نباید گفته شود بنده هم استدعا می کنم تنفس داده شود تا بنده آن عریضه را خدمت آقای مدرس عرض کنم میفرمایند این عدلیه همان نایب حیدر قدیم است نایب حیدر قدیم احکام محاضر شرع را اجرا میکرد و دیگر خودش حکم نمیداد

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم آقای حاج میرزا مرتضى با آن فضائلى که در شان تصور میرفت امروز خیلی منحرف صحبت کردند اولاً يك قضیه بالاخره برای ایشان خیلی فرض آسان بود و میدانستند که يك تکلیف و شرایط و قبودی است که برای محاکم عدلیه وضع میشود و اینکه فرمودند بر خلاف شرع است بنده نفهمیدم بعلاوه نازه حالا میخواهند قضیه را تحت مطالعه در بیاورند پس این مدتی که این قانون مطرح و تحت مطالعه و مباحثه بوده چه کرده اید؟ حالا بنده در این قسمت چیزی عرض نمیکنم ولی خواهش میکنم باین عرض بنده توجه بفرمائید شما که از اهل شرع هستید نباید فراموش فرمائید که وقتی در کمیسیون عدلیه مثل آقای مدرس آدمی که از طراز اول هستند تشریف داشته اند...

مدرس - آقا این حرف ها را لازم ندارد

دادگر - نباید گفته شود که ایشان باین مسئله توجه نداشته اند این بالاخره خلاف حزم برای طبقه است اگر بنده از طبقه حضرتعالی بودم همچو حرفی نمیزدم و احترام میکردم حرف کسی را که تقدم دارد بر حضرتعالی و حالا آمدیم حضرتعالی گفتید يك حرفی را که زبان دارد. راست میگویند آقای مدرس. موضوع اینکه گفته شود خلاف شرع است یا نیست و بعد از مجلس بگذرد یا نگذرد خیلی بد است. کار خوبی نیست که در مجلس شورای ملی این نوع مسائل مطرح شود حالا آمدند اجالا گفتند و مراعات این قسمت هم نشد ولی حالا حضرتعالی بعد از ده بیست روز مطالعه نازه میخواهید تشریف ببرید مباحثه کنید

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای حاج میرزا مرزى

را تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

معتضد استرآبادی - کافی نیست بنده مخالفم

رئیس - آقای استرآبادی - عرض کنم بنده با کمال

ارادتی که به آقای وزیر عدلیه دارم و با این قانون هم اساساً مخالف نیستم ولی خدا میداند فقط از نقطه نظر وظیفه مخالفت کردم و برحسب همان فرمایش آقای مدرس شاید اشتباه کردم و همان نظری که آقای حاج میرزا مرتضى پیدا کرده بودند شاید اشتباهاً هم در من پیدا شده و هنوز رفع نشده و از این جهت مخالفت کردم البته بیانات آقای مدرس تا حدی و مقداری از نظریات بنده را تأمین کرد ولی این جمله اخیری که آقای مدرس فرمودند اگر آقای وزیر عدلیه هم موافقت بفرمایند این چند سطرى را که آقای مدرس پیشنهاد کرده اند ضمیمه کنند گمان میکنم این مختصر اشتباه و نگرانی بنده هم رفع شود و بنده هم کاملاً موافقت خواهم کرد و الا اجازه بدهند تا در خارج مذاکره شود و بنده هم عریض خودم را عرض کنم

رئیس - آقای عراقی

حاج اسمعیل عراقی - بنده خیلی خوشوقتم که آقای معتضد فرمودند که يك قسمت از اشتباهاتشان در نتیجه نطق آقای مدرس رفع شد و فقط قسمتی که باقی مانده تصور فرمودند که راجع به آن نیم سطرى است که آقای مدرس فرمودند و ممکن است با آن نیم سطر آقای مدرس اشتباهات رفع شود ولی هنوز آن نیم سطر آقای مدرس معلوم نشده چه چیز است و نمیدانم با این عدم علم به نیم سطر آقای مدرس چطور تصور میکنند که ممکن است اشتباهات رفع شود؟ حالا بر فرض این که آقای مدرس هم يك نیم سطرى داده باشند و آقا هم يك اشتباهی کرده باشند ما این قسمت را در مجلس تجربه کرده ایم و دیده ایم که در هر ماده از قوانین بعد از کفایت مذاکرات بیشتر درش حرف زده میشود تا قبل از کفایت مذاکرات یعنی پیشنهادات میشود و در اطراف آن توضیحات داده

میشود ولی چون میخواهم که این قانون انشاء الله بد عنایت خدا هر چه زودتر در مجلس تصویب شود خوبست آقای هم اجازه بدهند مذاکرات کافی باشد و ایشان هم پیشنهاد و نظریات اصلاحی خودشان را بفرمایند و اگر هر آینه آقای مدرس هم بخواهند يك نیم سطری پیشنهاد بفرمایند ممکن است در ضمن آن پیشنهاد اشتباه آقای هم رفع شود

رئیس -- رأی میگیریم بکنیت مذاکرات آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- اکثریت است. پیشنهاد آقای باستانی

(بترتیب ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم مدت مرور زمان در ماده سوم سی سال شمسی باشد

پیشنهاد آقای عباس میرزا

ماده ۳ را بترتیب ذیل پیشنهاد مینمایم:

مدت مرور زمان نسبت به قبل از تصویب این قانون از تاریخ منشاء دعوی ز اول مشروطیت چهاردهم جمادی الثانیه ۱۳۲۴ خواهد بود مدت مرور زمان راجع به دعاوی نسبت بغیر منقول نه پس از تصویب این قانون تولید میشود از تاریخ منشاء دعوی بدست سال است

رئیس -- آقای باستانی

باستانی -- بنده باینکه باین قانون و با تمام موادش موافق هستم و این قدرها برای من تفاوت نمیکند که مدت مرور زمان سی سال یا چهل سال باشد ولی از نقطه نظر يك مسائلی اجازه میخواهم که رفقا به بنده اجازه بدهند که يك قدری بیشتر از آنچه که مطابق نظامنامه ممکن است عراض بنده گفته شود...

جلایی -- سابقه ندارد

باستانی -- بعضی از آقایان فرمایشاتی فرمودند و آقای مدرس هم يك جوابهایی فرمودند که البته همه منطقی

و شافی و کافی بود ولی بنده در ضمن این پیشنهاد مقتضی می دانم يك عراضی عرض کنم. مطابق قواعد اسلامی هر چه نص صریح در اسلام است حق نداریم برخلاف صریح آن چیزی بنویسیم ولی برای مرور زمان نص نیست لاجرم است موضوعی که لاجرم است و ممنوعیت نداشت تمبایستی اینطور گفته شود که مخالف شرع است بعلاوه يك عنوان دیگری هم داریم و آن عنوان اعراض است اگر يك کسی يك مدتی اعراض کرد از حق خودش ترتیب اثر به اظهارانش نمیدهند بعلاوه در قواعد و نظاماتی که برای عدلیه نوشتیم تشریفات قائل شدیم. میگوئیم محاکم قانون ما با این تشریفات باید دعوی را بپذیرند عرض حال بدون تمبر یا محکمه قبول نمیکند این يك تشریفی است و دلیل بر ابطال حق کسی نیست

استراحتی -- در اصل موضوعی داخل نشوید

باستانی -- اصل موضوع نیست بنده میخواهم عرض کنم که چرا میباید سی سال باشد و بالاخره يك مقدماتی میخواهند تا آنجا رسد این است که خواهش میکنم گوش بدهید میخواهم ابطال حق کنیم ما باینکه اسقاط حق کنیم. بین اسقاط و ابطال خیلی فرق است حق را باطل نمیکنیم...

رئیس -- (خطاب به آقای باستانی) عده برای

مذاکره کافی نیست چند دقیقه تلفس داده میشود

نمایندگان -- صحیح است

(در این موقع جلسه برای تلفس تعطیل و پس از نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس -- آقای باستانی

باستانی -- عرض کنم پیشنهادی را که بنده تقدیم کردم از نقطه نظر این است که در غالب ممالک متمدنه برای مرور زمان نسبت بدعوی راجعه باموال منقوله و غیر منقوله يك نظاماتی قائل شده اند در مملکت ما از سنه ۱۳۲۸ که عدلیه در غالب جاها تأسیس شده اغلب دعاوی کهنه اقامه شده ولی اگر به استنادتیک

و احصائی، دعاوی مطروحه در عدلیه مراجعه شود آقایان تصدیق میکنند که دعوی چهل ساله نیست و خیلی کم است و صدی پنج از دعوی بیش از بدست سال و سی سال نیست و نقطه نظر ما در دعوی این است که اکثریت را باید در نظر گرفت. آقایان که طرفدار مدت بیشتری هستند دلیشان این است که چون در غالب نقاط قهر و غلبه و تصرفات نامشروع زیاد بوده بنا بر این مدت باید بیشتر باشد این فکر در همه تولید شده ولی يك ماده در این قانون هست که هر جا قهر و غلبه حکومت داشت مرور زمان در آنجا وارد نیست. گفته میشود وقتی مرور زمان در مورد قهر و غلبه شروع میشود که قهر و غلبه مرتفع شود هر جا که مرتفع شد یعنی عراض جرات کرد که برود عدلیه عارض شود دلیل بر این است که قهر و غلبه مرتفع شده و مرور زمان هم از این تاریخ بعد شروع میشود و این اشکال هم رفع میشود و این توهمی هم که برای آقایان پیدا شده که مدت زیاد جلو گیری از قهر و غلبه میکنند این طور نیست بطور صریح در این قانون پیش بینی شده که مرور زمان وقتی شروع میشود که قهر و غلبه رفع شود و دیگر هیچگونه تکرانی وارد نیست بنده اول هم عرض کردم که مصر نیستیم که حتماً سی سال باشد یا چهل سال بنده عقیده ام این است که از ابتدائی که آزادی بین ملت داده شد و عدلیه دایر شده مرور زمان را بابتی از آن تاریخ گرفت ولی چون اغلب موافق نیستند و نظریات دیگری دارند از این جهت بنده حد معتدلی فرض کردم که سی سال باشد حالا بسته است بنظر آقایان. وزیر عدلیه -- یکی از شرایط بدشرفت يك قانونی این است که جمع بین همه نظر ها بشود اگر هر طرفی فقط آن نظری که خودش دارد بگیرد و در سر آن بخواهد ایستادگی کند اغلب باعث این میشود که خود اصل موضوع از بین برود. بنده مدتی است که در بین آقایان مذاکره کرده ام (همه هم میدانند) در جلسات

عدیده که مرکب از عده زیادی از آقایان بوده صحبت کرده ام. با افراد دیگر از آقایان هم در این خصوص بحث کرده ام، در کبسیون هم اطراف قضیه را نگاه کردیم و بالاخره همچو تصور کردیم که مسئله چهل سال يك مسئله است که میتواند جمع بین نظر های مختلفه را بکند و الا اشخاصی هم هستند که میگویند شصت سال و هشتاد سال باشد بنده استدعا میکنم از آقایان که به خیال اینکه اشخاصی که دارای ملك و علاقه هستند در زحمت نیفتند کاری نکنند که این مسئله دائمی باشد برای اینکه الان هم در اطراف نفس گفتم که این مسئله مشکل است که بخوبی و خوشی خاتمه پیدا کند بنده تمنا میکنم که بهمان قسمی که مذاکره شد و با هفت چهل سالی که بود بهمان اندازه قناعت کنید و کاری نکنید که يك مرتبه این قانون از بین برود و مدت را نه بیشتر و نه کمتر از این بکنید.

رئیس -- رأی گرفته میشود...

باستانی اجازه میفرمائید؟ بنده چون اصرار ندارم به پیشنهاد خودم و برای بنده هیچ تفاوتی حاصل نمی شود از این جهت استرداد میکنم.

وزیر عدلیه -- خیلی متشکرم

رئیس -- آقای عباس میرزا

عباس میرزا -- این پیشنهادی که بنده کرده ام که مبنایش از اول مشروطیت باشد برای این که بنده يك اشکالی دارم و میخواستم سؤال کنم و مقصود بنده راجع بمدت نبود که چهل سال یا پنجاه سال باشد زیرا هیچ فرقی نمیکند و آن دلیل پیشنهاد بنده که راجع به از اول مشروطیت است هیچ ربطی بمدت چهل سال یا پنجاه سال شصت سال ندارد بعقیده بنده راجع به مدتی و مروری باید قائل به منطقی بود و این را بنده میخواستم سؤال کنم که آقای وزیر عدلیه یا آقای مخبر که هر دو مستحضر از اوضاع عدلیه از هر حیث هستند يك جوابی

دهند تا ما هم بفهمیم ما البته بقدر آقای مخبر و آقای وزیر از اوضاع عدلیه اطلاع نداریم و آن این است که هر قانونی که وضع میشود باید دید برای چه وضع میشود و چه نتایجی از آن اخذ میکنیم هیچ در موقع نوشتن بگذارند قانون احساساتی نیست و هیچ فرقی نمیکند برای آقایان که قانون مرور زمان مدائن شصت سال باشد یا چهل سال باشد این برای رفاهیت مردم است و اگر نیست اصلاً ولش کنید و اگر هست که باید قائل به منطقی شد و بنده این دو سطر را که اینجا نوشته شده منطقتش را نفهمیدم مینویسد در مدت چهل سال شمس هم در هیچیک از محاکم وقت اقامه نشده بتقاضای مدعی علیه که باید تا اعلان ختم محاکمه در مرحله ابتدائی بعمل آید محکمه قرار منع تعقیب دعوی را خواهد داد والی فلان) ما نمیدانیم قبل از مشروطیت محاکم صالحه کیست؟

عمادی - محاضر شرع

عباس میرزا - قبل از مشروطیت محاکم مشتت بوده ...

(همه نمايندگان)

عباس میرزا - محاکم شرع الان هم هست . قبل از مشروطیت يك حکام و نواب حکامی بوده که در آن زمان امور را قطع و فصل میکردند آنهایی که در آن زمان کاغذ سازی کرده اند امروز عدلیه چطور تشخیص خواهد داد؟ عدلیه که بامدرک (بطوری که آقای مدرس فرمودند) میگوید من نمیتوانم رسیدگی کنم تشخیص يك مهر پنجاه سال قبل را اگر امروز بسازند کی و چطور خواهد داد؟ از مشروطیت باین طرف ما يك محاکمی داریم ما يك آزادی داریم ، يك وضعیات دیگری داریم ، بنده نمیدانم چطور يك دوره آزادی اسناد و مدارکش را متکی میکنند بیک دوره که مراجع آن مبهم است که در آن مواقع ممکن است انواع و اقسام کاغذسازی شده باشد و الا بگذارید بحال طبیعی و مرور زمان هم نباشد یا

بگذارید پنجاه سال یا شصت سال باشد . بالاخره باید دید که چرا میگوئیم پنجاه سال یا شصت سال باشد؟ بنده میخواهم بدانم که قبل از مشروطیت محاکم رسمی چه بوده؟ يك حاکمی بوده است مالک الرقاب در يك ولایتی آن هم يك نوای بهرجائی می فرستاده است . شما تصور میکنید در آن زمان حاکم یا نایب الحکومه قضاوت شرعی میکردند؟ مثلاً یکی از بلوکات فرض کنید ورامین يك نایب الحکومه داشته این نایب الحکومه قضاوت میکرد این را عدلیه قبول میکند بالاخره فرقی نمیکند بگذارید شصت سال هفتاد سال باشد ولی بنده میخواهم این را بدانم . باید محاکم قبل از مشروطیت اینجا تصریح شود . چون فلان نایب الحکومه هم حق قضاوت داشته است این است که بنده میخواهم در این قسمت اطلاع حاصل کنم

وزیر عدلیه - بکمرتبه دیگر قرائت شود

(پیشنهاد مزبور مجدداً بشرح گذشته خوانده شد)

وزیر عدلیه - باز این یکی از آن مواردی است که از شدت احتیاط باعث شده است آقایان مذاکران بفرمایند بالاخره ما باید بیائیم و حق يك عده را بایمان کنیم تا اینکه بالاخره برسیم باین نتیجه که عین این ماده را که نوشته شده است رای بدهیم آقایان میفرمایند که باید محکمه وقت تعیین شود برای اینکه ممکن است رفت از يك نایب الحکومه یا کسی کاغذ گرفت که در سی سال پیش آمدند نزد من و اقامه دعوی کردند و آن وقت مسئله مرور زمان را از بین خواهد برد . بنده خیال میکنم اگر توجه بفرمایند باینکه از یکطرف واقعاً باید حق گذاشت از برای اشخاصی که قبلاً رفته اند و مطابق مرور زمان حرف خودشان را زده اند و تعقیب کرده اند و از برای آنها در این قانون حقی که پیش بینی شده است باقی بماند و لازم است این جا باشد و الا حق يك عده از بین میرود و از طرف دیگر هم باید يك توجهی داشته باشند که محض اینکه يك کسی

نوشته از حاکم یا یکی از مراجع آن زمان آورد که این شخص در فلان وقت آمده بود پیش من بصرف این مسئله که نمیشود قبول کرد البته يك قرائن و دلائلی هم لازم است و الا از این قبیل نوشتجات صرف نظر از مرور زمان در تمام مسائل می آورند و در هر جائی وقتی که شما مراجعه کنید در نقاط مختلفه می بینید که واقعاً در زمان خودش اگر محضر بوده است يك محاضر معینی بوده است و اگر ترتیب رسیدگی معینی بوده و بصرف این که يك کسی بر دارد بنویسد که فلان شخص آمده بود پیش من پذیرفته نخواهد شد بالاخره این مسئله ایست که شخص مدعی که اقامه دعوی کرده است بایستی ثابت کند و او باید يك امهار و نوشتجات و اسنادی بیاورد که طرف اعتماد باشد . او باید يك اشخاصی را معرفی کند که بشناسند و بالاخره مشخص هم محکمه است از ابتدائی تا تمیز و تمام این دقت ها هم خواهد شد اما اگر نخواهید محکمه وقت را بر دارید بنده آنوقت نمیدانم چطور ممکن است مرور زمان را قبول کرد؟! و اگر نخواهید بگذارید بهتر از کله (محکمه وقت) اگر اصطلاح دیگری دارید او را بفرمائید و بنده نمیدانم در قسمت مدتش دیگر بحثی نکنیم و چون آقای باستانی موافقت کردند آقایان هم موافقت بفرمایند در قسمت مدت که همان چهل سال باشد تا انشاء الله بزودی بگذرد و در قسمت محکمه وقت هم ما غیر از این چیزی پیدا نکردیم و اگر نخواهید ممکن است يك عبارت دیگری که جامعتر باشد بگذارید ولی بنده تصور نمیکنم چیزی بهتر از این پیدا کنید چون در این مسئله خیلی بحث شد

رئیس - رأی گرفته میشود آقایانیکه این پیشنهاد

را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(دوسه نفر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای

غلامحسین میرزا -

(باین ترتیب خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده سوم به عوض جمله (محاکم وقت) نوشته شود (محاکم شرع وقت)

رئیس - بفرمائید

غلامحسین میرزا - عرض کنم نظری را که بنده پیشنهاد کردم در واقع تأمین فرمایشات خود آقای وزیر خواهد بود و الا اگر این نباشد بالاخره هر کسی میبرد از يك نایب الحکومه یا از يك اشخاصی که رفته اند در يك بلوکی سؤالی میکند و همان را مدرک قرار میدهد این فرمایش را که آقای وزیر عدلیه فرمودند بنده عرض میکنم خودشان که همیشه دنبال قانون نخواهند بود و این جمله (محاکم وقت) ممکن است بیک مشکلاتی بر بخورد و بنده تصور میکنم اگر نوشته شود (حاکم و محاضر وقت) این اشکال را رفع میکند و عیبی هم ندارد

وزیر عدلیه - بنده خیال میکنم که این پیشنهادی را که آقا کرده اند رفع مشکل را که نمیکند هیچ بلکه يك مشکلی را هم ایجاد میکند سابق بر این ترتیب رسیدگی این طور بود که مثلاً عارض و معروض که پیش مرحوم نظام الملک میرفتند گاهی بعضی دعاوی را خودش قطع میکرد و گاهی میفرستاد به عدلیه بنف بر این بنده تصور میکنم بهتر این است که آقا هم موافقت بفرمایند و همین کله وقت را بهمین ترتیبی که هست بگذارند باشد

رئیس - آقایان کسی که این پیشنهاد را قابل توجه

میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای افسر

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم نوشته شود محاکم صالحه وقت

رئیس - آقای افسر

افسر - البته آقایان مستحضرند که از سنه ۱۲۸۶



بعنوان وزارت عدلیه يك وزیرى در ایران بوده است که به او مراجعه میشده است و قضائى که واقع میشده است گاهی بحاکم شرع رجوع میشده است و اگر تجارتى بوده است بحاکم تجارتى ارجاع میشده است و بالاخره يك ترتیب و اصولى معمول بوده است و نوشتجاتى هم در دست مردم هست که اگر بنا شود ما بحاکم صالحه را انویسیم آنوقت ممکن است يك اشکالاتى پیش بیاید و همان ایرادات بعضى از آقایان وارد مى آید زیرا ممکن است يك آدمى که صالح نباشد آن کاغذ را نوشته باشد و البته تشخیص این مسئله را هم عدلیه میدهد و نوشتجاتى که در آن زمان نوشته شده است یا مال يك فرانس است یا مال يك حاکم و محضر شرعى است یا يك آخوندى که از زمان خودش مجتهد مسلمى بوده است که بعقیده بنده جزء محاکم صالحه آنوقت بوده است که بالاخره آنها تشخیص با خود وزارت عدلیه است این بنظر بنده خيلى خوبست و گمان میکنم آقای وزیر اگر چنانچه موافقت بفرمایند خيلى خوبست و رفع اشکال هم میشود

وزیر عدلیه - محکمه وقت که مى نویسد مقصود محکمه ایست که در موقع خودش صلاحیت داشته باشد یعنی محکمه صلاحیت دار وقت اعم از این که این را در این جا ذکر بکنند یا نکنند این مقصود حاصل است میخواهید صلاحیت دار هم بنویسید اشکالى ندارد ولى مطلب معلوم است

(پیشنهاد مزبور مجدداً قرائت شد)

مدرس - اسباب زحمت میشود بنده مخالفم تشخیص مشکل است

شریعت زاده مخبر - بنظر بنده این عبارت اگر اضافه شود ایجاد يك مشکلاتى خواهد کرد و بنظر بنده همینطوریکه نوشته شده بهتر است و ما همیشه بایستى در قانون گذاری اصرار نکنیم در اضافه کردن يك کلماتى که منشاء مناقشات میشود این است که بنده این پیشنهاد را نمیتوانم قبول کنم

رئیس - رای میکنیم به این پیشنهاد آقایان موافقین

قیام فرمایند

(عده قلیلى قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد . پیشنهاد آقای استرآبادى

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم مدت هر قدر تصویب شود سه سال مدعى اختیار اقامه دعوى داده شود

رئیس - آقای استرآبادى

استرآبادى - اگر چه بنده هنوز با اصل مرور زمان نمیتوانم موافقتی کنم ولى در اینجا چیزی که ضرورت دارد این است که مدت هر قدر معین شود اگر کمتر از چهل سال باشد البته مدتی برای مدعى است دو سال سه سال پنجسال که بتواند دعوى خود را اقامه کند این عیبى ندارد ولى اگر چهل سال تمام شده باشد يك آدمى که چندین سال در خانه خودش استراحت خوابیده است که اگر من يك وقتى بخواهم اقامه دعوى کنم میتوانم امروز بهش بگویند که چون چهل سال گذشته توحق نداری اقامه دعوى کنی اسباب زحمت است بنابراین بنده معتقدم بطور کلی دو سال سه سال همه مدعیها حق داده شود و اعلان شود که هرکس هر حق و ادعائى دارد در فلان مدت معین ادعای خودش را بکند برای اینکه ممکن است اهالی هیچوقت در این چهل سال قبل قدرت نداشته اند اقامه دعوى کنند بخيال اینکه يك روزى مدعى من ضعیف میشود و من اقامه دعوى میکنم و همینطور دعاوى خود را گذاشته اند مانده و امروز يك مرتبه بانها خبر میدهند که چون چهل سال گذشته است شما حق ندارید . پیشنهاد بنده این است که يك مدتی مردم اختیار داده شود و اگر در این مدت اقامه دعوى نکردند حقشان ساقط باشد

وزیر عدلیه - این سه سال مهلتی که شما میخواهید بدهید بنده عرض میکنم هر تنبلی در زندگانی موجب يك خرابی میشود تنبلی بحکم عقل مجازات دارد تنبلی يك ضرر هائى دارد بی احتیاطی يك ضرر هائى دارد

اگر يك كسى توى كوچه راه برود و جلوى پاى خود را نگاه نکند و در چاه بیفتد این حکمى است که طبیعت از برایش معین کرده است . يك كسى چهل سال زفته است دعوى خود را اقامه کند حالا تازه میخواهید او را دعوت کنید بیاید دعوى کند بنده این مسائل را نه تنها موافقت نمیتوانم بکنم بلکه بکلى برخلاف مصالح میدانم

رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای استرآبادى

آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای شیروانى

(مضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میشود مدت مرور زمان شصت سال باشد شیروانى - بنده همان حد وسط را قائل بودم ولى چون يك افراطى قائل شده بودند از این جهت بنده هم این پیشنهاد تقریبط را کردم ولى حالا مسترد میدارم .

رئیس - پیشنهاد آقای عمادى

عمادى - بنده هم مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد آقای بامداد

(باین مضمون قرائت شد)

پیشنهاد میکنم عبارت (از تاریخ منشاء دعوى) تبدیل شود به (از تاریخ تولید دعوى)

رئیس - آقای بامداد

بامداد - عرض کنم منشاء يك لغت مبهمى است و خيلى كس دار . هيچ بدو و ختم هم ندارد . اگر بخواهيم او را معنى كنيم اينطور ميشود از تاريخى كه دعوى در شرف شروع است . منشاء يعنى سرچشمه دعوى . ممكن است يك كسى نسبت به يك ملكى دعوى داشته باشد ، نظرى داشته باشد ، بيايد يك جلسه كنند در منزلش و يك عده را بياورد و بگويد اين ملك مال من است و من اسنادي دارم و ميخواهم اقامه دعوى كنم

این را منشاء دعوى میکوبند ولى تولید دعوى باین اطلاق نمیشود . ولى اگر منشاء دعوى باشد او میتواند بعد از گذشتن این قانون استشهاد کند از همان عده که جلسه کرده اند که فلانوقت بنا نبود من فلان اقدام را بکنم ؟ و او را منشاء قرار دهد . این است که بنده تبدیل کردم لفظ منشاء را به تولید قانون باید کلماتش صریح باشد که اسباب اشتباه نشود حالا بسته است بنظر آقایان .

مخبر - در معنى تفاوتى نیست منشاء با تولید معنأ یکی است بنده قبول میکنم

مدرس - بنده مخالفم . اجازه میخواهم

رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده

(باین مضمون قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۳ بعد از عبارت تاریخ

منشاء دعوى نوشته شود با آخرین تعقیب رسمى

احتشام زاده - بنده مقصودم از تقدیم این پیشنهاد

خواستن يك توضیحى بود از آقای وزیر عدلیه چون در

موقع مذاکره وقت نشد این است که حالا استفاده

میکم و عرض میکنم تاریخ مرور زمان و اینکه مرور

زمان از چه تاریخ شروع میشود یکی زمان ایجاد دعوى

را بگیرند و یکی هم تعقیب دعوى را برای اینکه ممکن است

يك دعوائى يك مدتی قبل ایجاد شود ولى در حین مرور زمان

تعقیب شود آن وقت مدتی بگذرد و مدت مرور زمان

تمام شود در این صورت ابتدای مدت را از ابتداء ایجاد

دعوى نمیکیرند بلکه از آخرین تعقیب رسمى بگیرند .

بنده خواستم از آقای وزیر عدلیه سؤال کنم که آیا منظور

ایشان هم این است که اگر تعقیب شود از تاریخ آخرین تعقیب

حساب میشود یا از تاریخ شروع و ایجاد دعوى بنده منظورم

فقط این بود

وزیر عدلیه - مطلب واضح است و آقایان يك

اصول کلی را که بجای خودش هست میخواهند در ضمن این

قانون بکنجانند البته وقتی پنجاه سال قبل يك دعوائى

شروع شده و بعد در سی سال پیش دعوی تعقیب شده  
 این دعوی را میشود الان هم اقامه کرد برای اینکه از آن  
 روزی به تعقیب کرده تا حال چهل سال نیست اینها  
 يك مـ ثلی است که گمان میکنم بجای خودش صریح باشد  
 و آقایی میخواهند يك اصول مسامحه را در اینجا توضیح  
 دهند.

احتمالاً زاده - بنده پیشنهادم را مسترد میکنم  
 رئیس - پیشنهاد آقای مدرس

(مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم نوشته شود تاریخ منشاء و تولید  
 مدرس - منشاء و تولید میانه شان عموم و خصوص  
 من وجه است. تولید یعنی آن چیزی که دعوی را  
 میآورد و آن بعد از اطلاع من است بواقعه و این ممکن است  
 مطابق با منشاء باشد و ممکن است مطابق با منشاء نباشد  
 منشاء دعوی این است که سبب حقانیت من شده است  
 فلان است آن سبب را من مطلع شده باشم یا بعد  
 مطلع شوم لهذا پیشنهادی که آقای بامداد راجع به  
 کلمه تولید کردند اگر آن کلمه را ضمیمه میکردید عیب  
 نداشت. منشاء دعوی آنست که اگر دعوای من ثابت  
 شد اجرة المثل تا آن وقت را میخواهم ولو بارت از  
 پدرم بمن رسیده اما مدتی من نمیدانستم و حالا اطلاع  
 پیدا کرده ام که این مال از پدر بمن رسیده است و  
 دست دیگری است منشاء دعوی از روزی است که از  
 پدرم مال بمن رسیده است اما حالا من ملتفت شده ام  
 ایجاد مرور زمان از زمان منشاء دعوی است نه از  
 زمان تولید دعوی ولی اگر این دو کلمه با هم باشد بعقیده  
 من عیبش رفع میشود

مخبر - يك مرتبه دیگر قرائت شود

(پیشنهاد آقای مدرس مجدداً قرائت شد)

مخبر - این دو کلمه تفاوت ندارد و بنده قبول  
 می کنم

رئیس - رأی میگیریم بماده سوم ...

میرزا احمد خان بدر - بنده پیشنهاد دارم  
 (پیشنهاد خود را تسلیم نموده و مضمون ذیل خوانده شد)  
 پیشنهاد منبام کلمه (تولید) حذف و فقط منشاء  
 اکتفا شود

بدر - عرض کنم این کلمه تولید و منشاء دعوی دو  
 چیز مختلف خواهند بود و اگر هر دو نوشته شود  
 اسباب اشکال میشود فرمودند يك کسی مرده است و  
 يك ارثی از او میرسد باولادش منشاء دعوی روزی  
 است که این اولاد صاحب ارث شده است این  
 منشاء است تولید وقتی است که آن شخص میاید اقامه  
 دعوی میکند این دو چیز مختلف است و میشود در يك  
 حال دو چیز مختلف را در نظر گرفت لذا گمان میکنم  
 بهتر این است که همان لفظ منشاء باشد

مدرس - اگر اشتباه میشود تولید را من  
 میدارم.

وزیر عدلیه - بنده تمنا میکنم آقایان باین عریضی  
 که عرض میکنم توجه فرمایند چون عرض بنده معنی  
 این ماده است آن وقت اگر این را قبول ندارید باید  
 صریحاً پیشنهاد بفرمائید. بنده که این مسئله را  
 پیشنهاد کرده ام مقصودم از آن روزی است که دعوی  
 بوجود آمده است دعوی از چه وقت بوجود میاید  
 از آن وقتی که بادعای مدعی در زمان شخص  
 مدعی یا کسی که قبل از او بوده) تصرف برخلاف حق  
 شده باشد والا بنده که دارای يك ادعائی هستم و  
 خودم را دارای يك ملک میدانم تا وقتی که آن ملک از  
 تصرف من خارج نشده است که دعوائی نیست دعوی  
 از آن روزی که تولید میشود آن ملک از تصرف من  
 خارج شده حالا این را میخواهید بنویسید (تاریخ تولید  
 دعوی) یا (تاریخ منشاء و تولید دعوی) یا (تاریخ منشاء  
 دعوی) هر کدام را مینویسید باین معنی است و آقایان  
 هم رأی میدهند عبارت را باید اینطور معنی کنند که  
 اگر اشتباه شود بصورت مجلس رجوع شود حالا عبارت

را هر طور میخواهید بنویسید مختارید

رئیس - آقای ضیاء پیشنهاد کرده اند دو مرتبه  
 رای گرفته شود يك دفعه بدون (تولید) يك دفعه با  
 (تولید) رای گرفته میشود بماده سوم بضمیمه (صلاحیت  
 دارد) بعد از محکمه ...

مدرس - این را که قبول نکردند.

رئیس - بسیار خوب رای گرفته میشود بماده سوم  
 بدون (تولید) آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند  
 (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است رای گرفته میشود بضمیمه  
 تولید آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند  
 (عده برخاستند)

رئیس - تصویب نشد. ماده چهارم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۴ - بازاد مرور زمان خواه قبل از رسیدگی  
 بدعوی و خواه در ضمن رسیدگی اظهار شود محکمه  
 مکلف است علیحده رسیدگی کرده قرار صادر نماید و  
 این قرار خواه مبنی بر رد ابراد باشد و خواه مبنی بر قبول  
 مستقلاً قابل استیناف و تمیز است طلبکاران و ضامن مدعی علیه  
 می توانند در صورتیکه عدم استناد مدعی علیه بمرور  
 زمان موجب ضرر آنها باشد وارد دعوی شده بمرور  
 زمان استناد نمایند در صورتیکه مدعی علیه اقرار بالکلیت  
 مدعی نماید مدت مرور زمان قطع میشود و همچنین  
 است اگر مدعی علیه در سندی که بخط یا امضاء مسلم  
 اوست اقرار بالکلیت مدعی کرده و از تاریخ سند مدت  
 مرور زمان نگذشته باشند

مدرس - به تبصره ماده سوم رای گرفته نشد

رئیس - ماده سوم که رأی گرفتیم با تبصره بود.

آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده عرض کردم با کلیه این لایحه  
 مخالفم اما چیزی که هست اینجا يك عبارتی نوشته که

اگر صلاح نشود يك قدری اسباب زحمت میشود و آن  
 این است که نوشته بازاد مرور زمان خواه قبل از  
 رسیدگی بدعوی و خواه در ضمن رسیدگی اظهار شود  
 محکمه مکلف است علیحده رسیدگی کرده قرار صادر نماید  
 زمانش را معین نکرده در چه زمان یکسال محکمه رسیدگی  
 میکند و قرار صادر میکند؟ شش ماه، سه ماه رسیدگی  
 میکند هیچ معین نیست. احتمال دارد هر وقت طرفین  
 آنجا بروند بگویند هنوز رسیدگی نکرده ایم و این اسباب  
 طول کشیدن مرافعه و دعوی خواهد شد باین ملاحظه  
 بنده عقیده ام این است که نوشته شود در مدت چهار  
 ماه این قرار را صادر کند

مخبر - تصور میکنم اگر آقا اطلاعاتی از قوانین اصول  
 محاکمات داشتند این ابراد را نمی فرمودند در قانون اصول  
 محاکمات مقرر است که در يك موقع معینی و وقت معینی  
 و ترتیب معینی باید بدعوی رسیدگی کنند و از آن  
 حدود نمیتوانند تجاوز کنند بنا بر این اگر کسی  
 بمرور زمان ابراد کرد محکمه مکلف است در مدت معینی  
 رسیدگی کند و رأی خودش را بدهد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(باین مضمون قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در ماده چهارم قبل از کلمه مکلف  
 است اضافه شود (محا که در اصل دعوی توقیف و محکمه  
 الخ)

آقا سید یعقوب - این مسئله مرور زمان يك مسئله  
 با اهمیتی است و خیلی نافع است و ما این را به بی  
 اهمیتی تلقی کردیم. وقتی که ما حق مرور زمان را در  
 اینجا قائل شدیم آن کسی که مرور زمان را ادعا  
 میکند در وقتی که اقامه دعوی میشود باید محاکمه در  
 اصل دعوی توقیف شود این است که بنده پیشنهاد کردم  
 بمجرد اینکه ابراد بمرور زمان شد محاکمه در اصل دعوی  
 توقیف شود

وزیر عدلیه - بنده با این موضوع موافقم برای این که باید اول تکلیف مرور زمان معلوم شود بعد باصل دعوی رسیدگی شود ولی يك پیشنهادی هم آقای بامداد کرده اند که تکلیف را معین میکنند

رئیس - پیشنهاد آقای بامداد

(مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم عبارت ذیل بعد از کلمه قابل استیناف و تمیز است اضافه شود (و مادامی که تکلیف قرار در مراحل استیناف و تمیز معین نشود محکمه استدائی رسیدگی را بتأخیر خواهد انداخت)

مخبر - چون این موضوع لازم است و بنده هم در نظر داشتم تذکر بدم قبول میکنم

وزیر عدلیه - بنده عرض کردم و دو مرتبه تکرار میکنم که آقایان توجه بفرمایند. محکمه میآید و قرار راجع مرور زمان را میدهد یعنی با قبول میکند یا رد میکند البته در آن صورتیکه مرور زمان را قبول کند که بالطبع رسیدگی نمیکند و باید بروند در مراحل بالاتر تکلیف آنرا معلوم کنند و به بیفتند مرور زمان وارد است یا نه ولی در موقعی که مرور زمان را رد میکند در اینجا آقا پیشنهادی کردند و بنده هم چون موافق بودم قبول کردم که محکمه صبر کنند تا تکلیف مرور زمان در استیناف و تمیز معلوم شود و الا از يك طرف قرار صادر شود و بروند در استیناف و تمیز و از طرف دیگر وارد ماهیت دعوی شوند این نمیشود

آقا سید یعقوب - پیشنهاد بنده صریحتر است

(پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب مجدداً قرائت شد)

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند

وزیر عدلیه - يك مطلب را که نمیشود در ضمن دو عبارت قبول کرد

رئیس - خوب آنرا که آقای مخبر قبول کردند رأی میگیریم

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید مقصود بنده اگر تامین شده است استرداد میکنم بنده خواستم صریحتر باشد که مردم در زحمت نیفتند

وزیر عدلیه - عرض کردم تامین شده است مسلماً محاکمه توقیف میشود تا در آنخصوص رسیدگی کنند

رئیس - رأی گرفته میشود بماده چهارم

شیروانی - ماده را با اصلاح بخوانند به بینیم چه شده

(اصلاح پیشنهاد آقای بامداد مجدداً قرائت شد)

رئیس - رأی میگیریم بماده چهارم با اصلاحی که قرائت شد آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده پنجم

(شرح آن خوانده شد)

ماده ۵ مرور زمان بر علیه کسانی که بعلت خطر جانی یا ناموسی و یا بعلت مخاطره در اموال خود یا اقرباء نزدیک خود نتوانسته اند اقامه دعوی نمایند جاری نمیشود مگر بعد از زوال مانع

مرور زمان بر علیه کسانی که در تحت ولایت هستند مثل صغیر و مجنون و صفیه جاری نمیشود

زوج و زوجه نمیتوانند نسبت بیکدیگر از مرور زمان مزبور در ماده ۳ استفاده نمایند. نسبت با املاکی که در دفتر ثبت املاک ثبت شده است مرور زمان جاری نمیشود - مرور زمان قابل اسقاط است ولی اسقاط آن وقتی ممکن است که بواسطه مرور مدت معینه در این قانون حاصل شده باشد. اسقاط مرور زمان باید صریح باشد.

متولی و همچنین کسی که ممنوع از تصرف در مالی است نمیتواند مرور زمان را که برای او حاصل شده اسقاط کند

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - اینجا نوشته اقریبای نزدیک خوب بود معین میکردند که مراد از اقریبای نزدیک کیها هستند

برادر است؟ عمو است؟ کی است خوب است تصریح شود که بعد در موقع تصدیقش بر خلاف انصاف تصدیق نشود

مخبر - بنظر بنده این عبارت اشکال ندارد برای این که اقریبای نزدیک معلوم است و در سایر قوانین هم اقریبای نزدیک و مراحل آن معین شده

رئیس - آقای بامداد

بامداد - این ماده در این قانون يك ماده خیلی لازمی است و خیلی هم خوب است که قید شده چون برای يك اشخاصی يك تسهیلاتی قائل شده ولی بعقیده بنده نقصان دارد و کامل نیست هم از جهت توضیحی که کرده اند از يك طرف و هم از جهت تضییعی که کرده اند از طرف دیگر طرداً و عکساً. البته آقایان تصدیق میفرمایند که سابق ملك داری در این مملکت يك مشکلاتی را ایجاد میکرده. و ملائکین مجبور بودند بهر قیمتی شده برای خودشان يك زوری درست کنند چنانچه تا چندی قبل حقیقه دو ثلث یا نصف ابدیشان را میدادند برای سوار نگاهداشتن

مدرس - حالا نه عشرش را میدهند

بامداد - و این قهراً اطلاق متنفس بهش میشود. آنوقت این ماده سبب میشود که هر کسی که بخواهد از شر خری و مرافعه درست کردن استفاده کند بیاید و اقامه دعوی کند و بگوید والله تاحال که من نمیتوانسم خطر جانی داشتم، خطر مالی داشتم. آقا کردن کلفت بود و زورش میچربید، بنابراین باید این را يك قدری توضیح داد و معین کرد که بصرف ادعا محکمه گوش ندهد یا يك ادله اگر اظهار شد گوش بدهند چون ممکن است آن شخصی که اقامه دعوی بر علیهش شده بگوید آقا قبول دارم. من يك زوری داشتم اما مدتگاهی برای تو مندوحه بود که اقامه دعوی بکنی و

نکردی. فلان وقت من در مکه بودم در حبس بودم، گرفتار بودم، مغضوب دولت بودم، احضار شده بودم بمرکز چرا در آن اوقات اقامه دعوی نکردی پس باید در این قانون این ملاحظاتی را کرد که جامع الاطراف باشد یعنی وقتی که ما میخواهیم بواسطه این قانون يك رشته مرافعات را از بین ببریم و خاتمه بدهیم از آنطرف يك رشته مرافعات تولید نکنیم. يك قسمت دیگر اینکه بعضی امساکیا در اقامه دعوی هست در این مملکت که نه بواسطه خطر جانی است و نه مالی و نه ناموسی بلکه بواسطه نزاکت اخلاقی است که در ماها هست. همانطوری که زوج و زوجه را در اینجا منظور کرده اند که مرور زمان شامل آنها نمیشود برای اینکه نمیتوانند برضد هم اقامه دعوی کنند (و خوب نکته را هم ملاحظه کرده اند) بهمین ملاک بعضی چیزهای دیگر هم هست که لازم است. آقای وزیر آقای مخبر توجه بفرمایند. مثلاً يك زن متموله میمیرد و چند تا اولاد دارد. شوهر یعنی پدر اولاد میمیرد و يك زن دیگر میگیرد. املاک هم در دستش است آنها هم با بزرگ هستند یا صغیر هستند هیچ فرق نمیکند البته اقامه دعوی نمیکند بر پدرشان. ملاحظه پدری و مقام ابوت را میکنند و همانطور ملك در دست اوست. اجازه داده صلح کرده، تبدیل باحسن کرده، معاملات مالکانه کرده و در تصرف او هم بوده. امروز چند تا اولاد هم از زن دیگر پیدا کرده، اگر آمد صلح کرد با اینکه همینطور رفت به ثبت اسناد و گفت چهل سال است دست من است و بیائید ثبت کنید آنوقت چه باید کرد؟ این بد بخت بچه هائی که ملك حقشان است. مال مادرشان است چکار کنند؟ یا اینکه فرض بفرمائید يك پدری مرد و دارائی با اولاد منتقل شد و دست برادر بزرگ و ار شد است و البته نزاکت اخلاقی مقتضی است که دیگران حرف زنند چون برادر بزرگ است واقعا حق دارند جمع المالندولی تمام معاملات را برادر بزرگ کرده. حالا هم چهل سال است دستش است مرور زمان هم شامل

اوست . چه باید کرد ؟ پس خوب است آقای وزیر عدلیه در این قسمت يك توضیحاتی بدهند که همانطور که فرمودند در صورت مجلس ثبت شود که این ملاحظات نسبت باشخاص بشود چون خیلی از فامیلهای این قبیل گرفتاریها را دارند

وزیر عدلیه - البته معلوم است که مقصود از این ماده این نیست که اشخاص شیادی بعنوان اینکه ما در مخاطره بودیم یا اینکه اقرای ما در مخاطره بودند بیابند و يك دعاوی خیلی کهنه را بخوانند پیش بیندارند بالطبع آن کسی که میگوید من چهل سال اقامه دعوی نکردم برای اینکه جرئت نمیکنم بواسطه مخاطره که از برای من بوده است این آدم بایستی اولاً ثابت کند که واقعا يك مخاطره برایش بوده و ثانياً در این مدت مخاطره دوام داشته و الا اگر بنا باشد فرض کنیم يك روزی يك شخصی آدم با نفوذی بوده است و لي پنجسال هم این شخص يك کسی بوده است که مردم میتوانند اند بر علیه او اقامه دعوی کنند و انوقت يك کسی بیاید و بخواهد دعوی راست کند البته از او نخواهند پذیرفت مقصود ما باز گذاشتن راه بوده است برای اشخاصی که حقیقه و واقعا این مخاطرات برایشان بوده اما در قسمتی که فرمودید خوب است غیر از زوج و زوجه دیگران را هم داخل کنیم بنده تصور میکنم خوب است بهمان اندازه قناعت کنیم والا شقوق مختلف میشود بعلاوه اگر يك اولادی اینقدر نجیب بوده و اینقدر با حیا و با اخلاق بوده که نمیخواسته به پدرش تو بگوید ؟ بعد از این هم خوب است این حیا را نشان بدهد و اقامه دعوی نکند و این را هم تصدیق میفرمائید که زوج و زوجه با پدر و پسر فرق دارد . يك کسی که چهل سال اقامه دعوی بر علیه پدرش نکرده حالا هم گمان میکنم بهتر است که راهش باز نباشد که اقامه دعوی کند و بنده تصور میکنم بدبختانه این موضوع يك موارد زیادی پیدا کند

آقا سید یعقوب - هیچ پیدا نمیکند . دوره تجدد رئیس - پیشنهاد آقای بهبهانی ( باین مضمون قرائت شد )

پیشنهاد مینمایم سطر آخر صفحه ۴ از ماده ۵ بنحو ذیل اصلاح شود .

متولی نسبت باملاك موقوفه و ولی شرعی نسبت باملاك مولی علیه که شرعاً از تصرف در ملك خود ممنوع است و خود محجور نمیتواند مرور زمان را که برای او حاصل شده اسقاط کند

بهبهانی - گمان میکنم مقصود بنده روشن است و آقایان هم موافقت با این عرض بنده فلسفه این قسمت از این ماده این است که يك کسی که دخالت در املاك غیر میکند شرعاً او میتواند این حق مرور زمان را ببخشد متولی البته نسبت باملاك موقوفه شرعاً دخالت میکند ملك مال خودش نیست . این جا استثناء کرده اند و می نویسند متولی و همچنین کسیکه ممنوع از تصرف در مالی است نمیتواند مرور زمان را که برای او حاصل شده اسقاط کند کسی که ممنوع از تصرف در مالی است خود محجور است باین معنی که يك کسی ولی يك کسی است یا قيم يك کسی است که او از مال خودش ممنوع است طفل از دخالت در مال خودش ممنوع است یا دیوانه نسبت بمال خودش محجور است اینجا از این عبارت همچو فهمیده میشود که خود آن طفل یا آن دیوانه نمیتواند حق مرور زمان را ببخشد ، بنده عرض میکنم که ولایت هم نمیتواند . حق مرور زمان را ببخشد برای اینکه این ممکن است بضرر آن صغیر یا دیوانه تمام شود . چون این مسئله در ماده قید نشده بنده بیک شکل واضحتري این مقصود را قید کردم که در ماده اضافه شود

وزیر عدلیه - بنده تصور می کنم هر قدر بیشتر دقت شود که حق این قبیل اشخاص از بین نرود ضرری نخواهد داشت بنا بر این میشود ( ولی و قیم )

را هم اضافه کرد که ولی یا قیم هم نتوانند مرور زمانی را که بر له صغیر است اسقاط کنند مخبر - بنده هم موافق هستم که کلمه قیم و ولی بعد از لفظ متولی اضافه شود و خواهش میکنم آقا هم همینطور موافقت بفرمایند

رئیس - پیشنهاد آقای یاسائی

( برتیب ذیل خوانده شد )

بنده ماده پنجم را بنحو ذیل اصلاح و پیشنهاد میکنم ماده پنجم - تصرفی که ناشی از قهر و اجبار باشد موجب حق مرور زمان نمیشود و مدت مرور زمان از موقعی شروع میگردد که قهر و اجبار زائل گردد مرور زمان بر علیه کسانی که در تحت ولایت هستند الخ

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - عرض میشود که این ماده طوری نوشته شده است که يك استفاده ای که حتماً در بعضی موارد باید بشود ممکن است برعکس يك نتایج سوئی هم داشته باشد زیرا توضیح دادند که در صورتیکه خطر مالی و ناموسی برای خود و اقرباء نزدیک باشد مرور زمان مورد دیدا نمیکند بنظر بنده همین قدر بنویسیم تصرفی که ناشی از قهر و اجبار باشد تاثیر در مرور زمان ندارد کافی است و هر وقت قهر و غلبه و اجبار مرتفع شد مرور زمان از آن تاریخ شروع شود عبارت هم ساده تر است .

مخبر - بنظر بنده قبول این پیشنهاد اسباب زحمتش برای اینکه در کمیسیون در نتیجه مطامعات تشخیص شد که این وقایع ممکن است اشخاص را از اقامه دعوی ممنوع بدارد و آنچه که آقا پیشنهاد فرموده اند منحصر راجع بتصرف قهری است در صورتی که قانون باید يك خصوصیات و مسائل خصوصی را بین خانواده ها هست در نظر بگیرد که آنها قاطع مرور زمان باشد باین جهت بنده نمیتوانم پیشنهاد ایشان را قبول کنم

یاسائی - بنده استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

( باین نهج خوانده شد )

پیشنهاد میکنم در ماده ۵ بعد از کلمه « زوال مانع » اضافه شود که در محکمه ثابت شود رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این مسئله را آقای بامداد هم بر سیبل اجمال اشاره کردند . بنده دو باره خواستم در این باب صحبت کنم . مشروطیت مملکت ما مسبوق است بیک سابقه که دوره استبداد باشد . حالاً بطوریکه آقای بامداد اظهار کردند پس فردا در محکمه دعوی اقامه میشود آن وقت میگوید بابا در دوره استبداد کسی مالك چیزی بود در فلانجا فلان سر باز فلان کار را میکرد . آنوقت با این حرفها تمام این زحمتی که ما کشیده ایم باید از بین برود و مرور زمان نسبت باو اجرا نشود . نظر اساسی بنده که رفتم با آقای مدرس راجع بمرور زمان صحبت کردم این بود که رفع شبهه از مردم بشود . نظر ما به اسقاط حق نبود ، اعراض است ، آقا از حقوق خودش اعراض کرده است حالا بمجرد اینکه ادعا کند و بگوید دوره استبداد نمیتوانست احقاق حق کنم فلان ملك مال من است نباید محکمه حکم کند که مرور زمان درباره او اجرا نشود .

وزیر عدلیه - بنده بکمرتبه دیگر هم توضیح دادم که بصرف اینکه يك کسی بیاید مدعی شود که من در مخاطره بودم بخرف او گوش نخواهند داد . باید ادعای خودش را در محکمه ثابت کند البته طرفش هم جواب خواهد داد بالاخره پس از اینکه واقعا ثابت شد که این آدم در مخاطره بوده در اینصورت البته باید رسیدگی کرد آقا سید یعقوب - استرداد میکنم .

رئیس - پیشنهاد آقای مفتی

( باین مضمون قرائت شد )

در ماده ۵ پیشنهاد می کنم بجای عبارت متولی و همچنین کسی که ممنوع از تصرف در مالی است نوشته شود متولی و همچنین کسی که بعنوان ولایت

یا وکالت متصرف درمالی است

مفتی - بنده قبلاً این پیشنهاد را تقدیم کرده بودم بعد از اینکه پیشنهاد آقای بهبهانی قبول شد این مقصود بنده هم تأمین شد. است ولی وکیل هم لازم است و بعقیده بنده باید اضافه شود

مخبر - در قسمت ولایت و راجع بولی تأمین شده راجع بوکیل ضرورت ندارد برای اینکه وکیل وکیل در اسقاط مرور زمان نیست و صلاحیت این کار را ندارد بنا بر این بنده نمیتوانم قبول کنم

مفتی - استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای دادگر

(باین نحو خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم از ماده ۵ جمله با ناموسی و

جمله اقبای نزدیک حذف شود.

دادگر - بنده گمان میکنم این ماده خوب تنظیم شده ولی باید آنرا اصلاح کرد که يك كلمات مشوش نوش نباشد که تا هر کجا انسان بخواهد مطلب را کس دهد. حفظ ناموس در مسئله املاک بقدری وسیع است که هر کس میتواند این حرف را بزند همینطور اقرباء

بنده عرض میکنم این کلمه بقدری اغراق آمیز است که برای هر متشبهی وسیله میشود که بگوید پسرخاله ام پسر عمه ام و بالاخره پشت سر هم اشخاص را بنام اقربا داخل کند. عقیده بنده این است که همان اشخاص حوزه مسؤولیتش را باید مشمول این ماده قرار داد و اشخاص خارجی را نباید نوشت که افراط و مبالغه خواهد بود.

مخبر - بفرمائید پیشنهاد را يك مرتبه دیگر بخوانند پیشنهاد آقای دادگر مجدداً  
(مضمون سابق قرائت شد)

مخبر - اگر آقایان موافقت بفرمایند همینطوری که نوشته شده باشد خیلی بهتر است. زیرا در کمیسیون تمام جهانی که ممکن است موجبات صرف نظر کردن يك

کسی را از حق خودش فراهم کند در نظر گرفته شده و این يك اجتهاد اخلاقی است و اینکه از نقطه نظر حفظ خطر ناموسی نوشته شده مبتنی بدلائل وعللی بوده و آقایانیکه اقارن دارند میدانند که در موقع خطر اشخاص از هیچ نوع فداکاری اخلاقاً مضایقه نمی کنند و جریان مشروطیت در این مدت این مسئله را ثابت کرده. و تصور میکنم اگر يك کسی پیدا شد و برای حفظ حیات و جان برادر و پدر و اقربایش يك فداکاریهای کرد اخلاقاً باید او را مصون داشت و مشمول مواد این قانون ندانست. عدالت و انصاف هم همین طور حکم می کند و اگر غیر از این باشد صحیح نیست و اگر حضرت آقای دادگر هم موافقت بفرمایند که همینطور باشد و پیشنهادشان را مسترد دارند بهتر است.

دادگر - بنده پیشنهاد خودم را تبدیل به تجزیه میکنم باین معنی که يك مرتبه با این جمله رأی بگیریید و يك مرتبه هم بماده

رئیس - پیشنهاد آقای آقا میرزا عبدالحسین

(مضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۵ عبارت مرور زمان بر علیه کسان که تحت ولایت هستند جاری نمیشود نوشته شود که جاری میشود.

رئیس - آقای میرزا عبدالحسین

میرزا عبدالحسین - بنده سه قسمت پیشنهاد کرده ام راجع بماده پنج یکی راجع مرور زمان بر علیه اشخاص و کسانی که در تحت ولایت هستند یکی هم راجع بزوجه و زوجه است که آنرا مسترد میدارم. یکی هم راجع باسقاط مرور زمان است. اما نسبت بآن قسمت اول عرض میکنم برای چه اگر چنانچه مرور زمان بر له صغیر و سفیه و مجنون باشد جاری میشود ولی اگر بر علیه آنها باشد جاری نمیشود. این را خوب است آقای وزیر مالیه (نه بخشید) آقای وزیر عدلیه با آقای مخبر کمیسیون توضیح بدهند تا بنده بفهمم زیرا این مسئله قابل تجربه

نیست. چرا مرور زمان بر علیه کسان که تحت ولایت شرعی هستند جاری نمیشود ولی بر له ایشان جاری میشود ولی و قیم مکلفند املاک صغیر را ثبت کنند دیگر اینکه این جامی نویسد مرور زمان قابل اسقاط است ولی اسقاط آن وقتی ممکن است که بواسطه مرور مدت معینه در این قانون حاصل شده باشد یعنی اگر حاصل نشده باشد قابل اسقاط نیست. معنی این را هم بنده نفهمیدم زیرا مسلماً مرور زمان وقتی قابل اسقاط است که مدت معین حاصل و منقضی شده باشد و اگر عبارت هم زیادی است و محتاج بذکر نیست زیرا مطلب واضح است

وزیر عدلیه - این جمله برای حفظ حقوق صغیر اضافه شده در تمام مالک عالم هم همینطور است. در خارج از مجلس هم عرض کردم و توضیح دادم که لازم است در این موارد این نوع دقت ها بشود. در هر صورت وقتی که ما با دو طرف سر و کار پیدا کردیم یکی صغیر و مجنون و دیگری عاقل و رشید در این مورد قطعاً باید طرف صغیر را برتقت و مراعات حقوق او را کرد. اما راجع باین که مرور زمان قابل اسقاط است اینکه نوشته مرور زمان در حق او حاصل شده برای این است که قبل از وقت نوشته این حق از کسی ساقط میشود که از مرور زمان استفاده میکند

آقا میرزا عبدالحسین - مسترد کردم.

رئیس - مسترد کردید

میرزا عبدالحسین - بلی مسترد کردم.

رئیس - پیشنهاد آقای عمادی

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم بعد از جمله دعوی نمایند جمله در محکمه ثابت شده در ماده ۵ ضمیمه شود

رئیس - آقای عمادی

عمادی - بعد از فرمایشاتی که آقای وزیر عدلیه کردند نظر بنده تأمین شده و پیشنهادم را مسترد میدارم.

رئیس - پیشنهاد آقای حاج میرزا مرتضی

(باین عبارت خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم این جمله بعد از زوال ممانع اضافه شود و همچنین اشخاصیکه اسناد و مدارک مثبتیه حق آنها در مدت چهل سال در دسترس آنها نبوده

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی

حاج میرزا مرتضی - عرض میکنم همینطوری که در این ماده نوشته اند اگر چنانچه بواسطه قوت طرف باطلت مخاطره در اموال خود یا اقربای نزدیک خود نتوانست اظهار دعوی کند و این سبب خواهد بود که مرور زمان شامل او نشود همچنین بنده عقیده دارم که اگر يك کسی يك اسناد مثبتیه دارد که مدرک حق او است و این اسناد فرضاً در این مدت چهل سال در جایی باشد که در دسترس او نباشد یا پهلوی کسی بوده و باو نداده است بعد از اینکه ثبت شد که واقعاً این طور بوده یعنی این اسناد در این مدت در دسترس او نبوده او هم بر طبق همین ماده شامل قانون مرور زمان نشود و البته این يك ارفاقی است نسبت به کسی که حقی داشته و اسنادش پهلویش نبوده است.

مخبر - بنده تصور میکنم اگر نماینده محترم قدری دقت میفرمودند و تشخیص میدادند که مرور زمان برای چیست این فرمایش را نمیفرمودند. اساساً در تمام دنیا مرور زمان نسبت بيك چیزهای محوسی استثناء میشود و اینکه سرکار اظهار بفرمائید جزء آن قسمت نیست بین کسی که اسنادش را کم کرده با کسی که اسنادش در دستش بوده واقعه دعوی نکرده است؟ این دو صورت بعقیده بنده هیچ فرقی با هم ندارد در هر صورت اصل نظر این است که دعاوی زیاد از چهل سال برای عدلیه مقدور نیست که بپذیرد مقصود این است حالا عنوانش می خواهد کم کردن سند

باشد یا اقامه دعوی نکردن. بنا بر این از حضرتعالی خواهش میکنم پیشنهادتان را مسترد بدارید زیرا برای کمیسیون مقدور نیست این قبیل پیشنهادات را بپذیرد حاج میرزا مرتضی - بنده مسترد میدارم.

رئیس - پیشنهاد آقای محقق :

(بعبارت ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در ماده ۵ بجای کلمه (مرور زمان قابل اسقاط است) نوشته شود (صاحب مرور زمان میتواند حق مرور زمان خود را ساقط کند) ولی اسقاط آن الی آخر.

رئیس - آقای محقق

محقق بنده يك توضیحی از آقای مخبر کمیسیون می خواستم و يك مطلبیست که درست ملتفت نشده ام و آن این است اینکه نوشته شده مرور زمان قابل اسقاط است مقصود این است که از طرف صاحب مرور زمان قابل اسقاط است یا از طرف کس دیگری خوب است يك توضیحی بدهند تا معلوم باشد

مخبر - مطلب بنظر بنده خیلی واضح است. اسقاط حق فقط از طرف صاحب حق ممکن است زیرا يك آدم خارجی نمیتواند حق بنده و جنابعالی را اسقاط کند

رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد. آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای بدر

(باین مضمون خوانده شد)

بنده پیشنهاد میبایم در آخر ماده ۵ بعد از زوال مانع اضافه شود که این استثناء راجع است از تاریخ تصویب بعد.

رئیس - آقای بدر

بدر - عرض کنم مقصود از این ماده این است که از این تاریخ بعد اگر همچو چیزی واقع شود. اما

با فلسفه که ذکر شد که از چهل سال قبل اسناد و مدارك را نمیشود تعیین کرد بطریق اولی خطر جانی و ناموسی را هم نمیشود معین کرد. بنده عرض میکنم که در چهل سال قبل فرضاً برای من خطر جانی یا ناموسی پیش آمده بطریق اولی در این مدت چهل سال وسائل ثبوت آن ممکن نیست. پس بنظر بنده باید اضافه شود از این تاریخ به بعد زیرا اگر غیر از این باشد چطور میشود ثابت کرد که مثلاً در چهل سال قبل برای يك کسی خطر ناموسی و جانی پیش آمده. و حقیقتاً ثبوت این قضیه يك چیز غریبی است! از این جهت بنده تصور میکنم که اینجاده از حالا ببعد و بطوری که پیشنهاد کردم اصلاح شود وزیر عدلیه - عرض میکنم اصل مانع و مخاطره اساساً يك اصلی است که چه نسبت بگذشته باشد چه نسبت به آینده باید ملحوظ شود و تصور میکنم اگر خود آقای پیشنهادشان را مسترد بفرمایند بهتر است.

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد.

میرزا احمد خان بدر - بنده مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد آقای بهبهانی قرائت میشود بعد ماده رأی میگیریم.

(پیشنهاد آقای بهبهانی بشرح سابق قرائت شد)

رئیس - این اصلاح را آقای مخبر قبول کرده اند؟

وزیر عدلیه - آن چیزی را که بنده و آقای مخبر قبول کردیم این بود که بعد از متولی (قیم و ولی) نوشته شود و عبارت اینطور میشود 'متولی و قیم و ولی و همچنین کسی که ممنوع از تصرف در مالی است نمی تواند مرور زمانی را که برای او حاصل شده اسقاط کند. گر چه این عبارت يك اشکالی دارد.

چون قیم و ولی اگر مرور زمانی نسبت بخودشان حاصل شود از برای خودشان ممکن است اسقاط کنند ولی برای کسی که تحت قیمومیت آنها است نمیتواند اسقاط کنند ولی روشن است، یعنی متولی

نسبت باموال موقوفه و هم چنین کسی که ممنوع از تصرف در مالی است نمیتواند مرور زمانی را که برای او حاصل شده و قیم و ولی مرور زمانی که برای کسی که در تحت قیمومیت اوست حاصل شده نمیتواند اسقاط کنند.

رئیس - رأی میگیریم باین ماده بر حسب تقاضای

آقای دادگر بدون کلمه ناموسی و اقربا آقایانیکه ماده را باین طور تصویب میکنند قیام فرمایند

(جمعی کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. رأی گرفته میشود بماده بضمیمه

قیم و ولی در سطر آخر بعد از متولی. آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده زیادی قیام کردند)

رئیس - تصویب شد. ماده الحاقیه پیشنهادی آقای

بهبهانی

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میبایم.

ماده الحاقیه - اشخاصی که مشمول قانون مرور زمان نیستند می توانند تا شش ماه بعد از اعلان این قانون دعاوی خود را در محاکم مقتضیه اظهار و تعقیب نمایند

رئیس - آقای بهبهانی

بهبهانی - چون آقایان فرمودند مختصر صحبت شود

از این جهت بنده هم عرایض را بنحو اختصار عرض میکنم ولی يك چیزی هست که من سن سنة حسنة این بجای خودش صحیح. ولی در هر حال بنده تصور میکنم قانون مرور زمان ملازم با ابطال يك حقوقی است حالا چون دولت با مساعدت مجلس همچو صلاح دانسته که بنا بر يك مقتضیاتی این ابطال حق بشود و نظر بجهانی این قانون را مجلس آورده از آن طرف هم همین دولت و مجلس باید متوجه باشند که حق المقدور کمتر این تضییع حق شود. البته اگر يك راهی باشد که بتوان کمتر از این تضییع حق شود نباید مضایقه

کرد که از همان راه داخل شد غرض این است حتی الامکان باید يك کاری کرد که کمتر حقوق مردم تضییع شود. بنده با این پیشنهادی که تقدیم کرده ام اگر همین ترتیب تصویب شود گمان میکنم باز يك راه فراری باشد برای مردمی که از وضع این قانون و از این ترتیب امروز مجلس و تصویب و اجرای این قانون مطلع نیستند و يك دعاوی هم دارند. البته با این ترتیب يك راه نجات برای آنها فراهم خواهد بود. چون در این قانون نوشته شده بعد از تصویب بلافاصله بموقع اجرا گذارده خواهد شد. يك مردمی هستند شاید بواسطه يك قضایائی چهل سال و دو ماه بالا گذشته و این بچاره فقط بواسطه اینکه چند ماهی از مدت گذشته از استیفای حق خودش مطابق این قانون محروم است.

خیلی اشخاص در ولایات مطلع میشوند و به تاخیر ممکن است بيفتند و با این ترتیب اسباب زحمت آنها خواهد بود. خود آقایان میفرمایند ما وقتی که بعد از مراجعه کردیم دیدیم در محاکم عدلیه دعاوی که از مدتش چهل سال گذشته باشد خیلی کم است یا هیچ مطرح نشده یا خیلی کم مطرح شده اگر هم واقعاً این طور باشد همین مسئله تأیید عرض و نظریه بنده را میکند. در این جا مذاکراتی است راجع مدت چهل سال. بیست سال شصت سال باشد. بنده تصور میکنم اگر این نظر بنده تأمین شود مدت هر قدر باشد ولو ده سال بیست سال هم باشد يك وسیله و راه نجاتی برای کسانی که واقعاً حق دارند خواهد بود راجع بدسیسه کاران فرمودند بنده عرض میکنم آنهایی که میخواهند دسیسه کنند همین حالا هم ممکن است دسیسه کنند بنده عرض میکنم راجع است بکسانی که واقعاً حق دارند و از وضعیت امروزه مجلس و این قانون اطلاعی ندارند و اگر این قانون همین ترتیب اجرا شود آنها زحمت میافزایند از این جهت بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم حالا اگر آقایان لازم میدانند رأی میدهند و اگر اصلاحی لازم میدانند بفرمایند و اگر هم رأی میدهند مختارند

مخبر - گرچه نیات نایبده محترم که مبتنی بر سهولت حال اشخاص است قابل تقدیر است ولی بنظر بنده اگر يك محاسبه در این پیشنهاد بشود معلوم خواهد شد مضراتی که از قبول این پیشنهاد حاصل میشود بمراتب زیادتر از فوایدش خواهد بود. برای اینکه قبول این پیشنهاد حقیقتاً در حکم باز کردن راه مخاصمه است بر روی تمام اهالی مملکت و این هم البته صلاح مملکت نیست. زیرا اصلاً قانون مرور زمان برای این وضع میشود که قسمت زیادی از مراعات از بین برود و املاک متصرفی مردم استحکامش زیادتر و تثبیت شود بنا بر این بنده از آقا خواهش میکنم که پیشنهادشان را مسترد بفرمایند رئیس - رای میگیرم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانند قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(چند نفری برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. ماده الحاقیه دیگر

پیشنهادی آقای فیروز آبادی

(باین شرح خوانده شد)

املاکی که ثبت میشود اگر هزار تومان و کمتر ارزش داشته باشد سوای حق الثبت چیزی نباید بدهند از بابت اعلانات و مخارج اعلانات آن بعهده دولت است رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده نظر بر فاهیت حال مردم این پیشنهاد را تقدیم کردم. و عقیده دارم املاکی که قیمتشان کم است صد تومان یا صد تومان یا هزار تومان قیمت دارد اگر اشخاص بخواهند این نوع املاک را که تا هزار تومان بیشتر قیمتش نیست ثبت کنند برای این که يك تخمیل فوق العاده نباشد همان حق الثبت را بدهند و دیگر از بابت مخارج اعلانات و غیره چیزی ندهند و این نوع مخارج بعهده خود دولت باشد و اگر غیر از این باشد حقیقه اسباب زحمت مردم است زیرا اتفاق میافتد مثلاً يك ملکی که صد تومان قیمت دارد پنج هزار

حق الثبتش میشود در صورتیکه هفت هشت تومان قیمت اعلاناتش میشود و این فرع زائد بر اصل است. کسی حاضر نمیشود برای پنجقران حق الثبت هفت هشت تومان پول اعلانات بدهد باین ملاحظه بنده این پیشنهاد را کردم. از آقایان خواهش میکنم نگاه نکنند باین که بنده این پیشنهاد را کردم بلکه نظرشان مطلقاً به خیر و رفاه عامه باید باشد به بینید اگر خوب است قبول کنید و اگر هم نیست که هیچ

وزیر عدلیه - بنده کاملاً باین نظر آقای فیروز آبادی موافقم زیرا واقعاً برای يك عده اسباب رفاه و آسایش است ولی عبارت محتاج باصلاح است. عبارت را اگر اصلاح کنند بنده قبول میکنم

رئیس - ماده الحاقیه پیشنهادی آقای رفیع

(باین کیفیت خوانده شد)

هر ورقه که به ثبت رسید بیش از يك دفعه صدنیم نمی پردازد.

در دفعات بعد از نادیه صدی نیم نی نیاز است.

رئیس - آقای حاج آقا رضا

حاج آقا رضا رفیع - آقایان همه مستحضرنند که ما در این جا می خواهیم قانون ثبت اسناد بگذرانیم نه قانون مالیات گیری. در این مملکت که کارخانه نیست و مردم جز فلاح کار دیگری ندارند و املاک مردم که در دستشان است باید محکم و ثابت باشد از این جهت ما خواستیم قانون ثبت املاک بگذرانیم ولی مالیات نمی خواهیم وضع کنیم اگر مقصود شان واقعاً اخذ مالیات است صریحاً و آشکاراً بگویند اگر صلاح باشد ما رای میدهیم و اگر صلاح نباشد رای نمیدهیم. يك ملکی را امروز بنده میخرم و قباله اش را به ثبت میرسانم فردا دو باره اگر بخواهم این را بفروشم دیگر موردی ندارد حق الثبت بدهم بعضی املاک و بعضی دکا کین است که اصلاً صاحبش قباله ندارد مثلاً فرض بفرمائید بنده دکا کینی دارم که از ابناء واجدادم

من رسیده قباله ندارم ولی اجاره نامه دارم که دلیل مالکیت من است خوب بنده برای هر دفعه اجاره دادن و اجاره گرفتن چند دفعه باید پول بدهم و به ثبت برسانم. غرض این است وقتی که يك دفعه ملکی باسم آدم در دفتر ثبت شد دیگر لزومی ندارد دفعات دیگر که خرید و فروش میشود باز دو باره ثبت شود ملکی را که بنده میفروشم و ثبت کرده ام فقط باید بروم بداره ثبت اسناد و اظهار کنم: آقا این ملك دیگر از حالا به بعد مال من نیست و مال آقا است دیگر دو باره نباید پول بدهم. و الا اگر غیر از این باشد این يك مالیات خواهد بود که ما در تحت این عنوان وضع کرده ایم

وزیر عدلیه - بفرمائید يك مرتبه دیگر بخوانند

(دو باره بمضمون فوق خوانده شد)

وزیر عدلیه - اجازه بفرمائید توضیحی عرض کنم اگر مقصود آقایان این است که اداره ثبت اسناد همینکه يك ملکی را ثبت کرد دیگر چیزی نگیرد و متصل می نقل و انتقال دهد آنوقت این سالی يك ملیونی که خرجش میشود از کجا - بران خواهد شد؟ اگر مقصود این است؟ این عملی نیست. شما وقتی که می خواهید يك ملکی را بفروشید یا بخرید البته باید حق الثبت بدهید و اگر غیر از این باشد شما با اینکه معتقدید این اداره در سراسر مملکت بسط پیدا کند و يك ملیون هم مخارجش میشود آنوقت این عملی نیست و برخلاف مقصودی است که دارید. ولی ممکن است این طور قرار داده شود که در دفعه اول صدنیم بدهد ولی برای دفعات دیگر صدی ربع بدهد باین ترتیب تعرفه را باین بیاوریم و تقلیل بدهیم این يك نظری است. ولی اگر بخواهیم ثبت اسناد را در تمام مملکت رسمی کرده در دسترس عموم بگذاریم آنوقت قائل شویم باینکه وقتی که يك دفعه ثبت کرد دیگر برای نقل و انتقال بعد چیزی نگیرد این نمیشود. و چنانچه عرض کردم تنها کاری که ممکن است بکنیم این است که نسبت به انتقال

بعد تعرفه را صدی ربع کنیم.

حاج آقا رضا رفیع - بنده با این نظر موافقت میکنم مشروط بر اینکه ایشان هم با آن پیشنهاد در روز بنده که قبول نکردند موافقت بفرمایند که صدی ربع باشد. این را به پیشنهاد بنده اضافه بفرمائید و رای بگیریید.

رئیس - پیشنهاد آقای افسر

(بمضمون ذیل خوانده شد)

هر ورقه که يك مرتبه صدی نیم را بعنوان حق الثبت پرداخت در مراتب دیگر صدی ربع تومانی نیمشاهی خواهد پرداخت

وزیر عدلیه - بنده موافقم

مخبر - بنده قبول میکنم ضمناً نظر آقای رفیع هم

تامین میشود

حاج آقا رضا رفیع - صحیح است

ماده الحاقیه پیشنهادی آقای استرابادی

(باین شرح خوانده شد)

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم:

در مواردی که محاکم عدلیه به تمسک این قانون رسیدگی بدعوا نمیکند مشمول جمله (ه) از ماده ۱۴۵ اصول محاکمات حقوقی است و ارجاع به محضر شرع میشود

تبصره - در صورت صدور حکم از محضر عدلیه مکلف

باجراء و تصحیح دفاتر ثبت املاک است

رئیس - آقای معتمد استرابادی

معتمد استرابادی - در این دو جلسه که این قانون در مجلس شورای ملی مطرح است يك حرف هائی در اطراف این قانون زده شده راجع به مشروع بودن و عدم مشروعیت آن بنده از اشخاصی بودم که توانسته بودم نظرم را با مشروعیت این قانون وفق دهم ولی پس از توضیحات حضرت آقای مدرس يك قسمت از نظریات بنده تأمین شد ولی در این قسمت چون مسلم است که ماحق نداریم حق کسی را اسقاط کنیم (این قسمت محرز و مسلم است)

ولی حالا که محاکم عدلیه باین قبیل دعاوی رسیدگی نمیکند و علت اینکه ما این قانون را می گذرانیم این است که معتقدیم برای عدلیه مقدور نیست دعاوی از چهل سال قبل را به پذیرد حالا که این طور است و رسیدگی نمیکند و از طرفی هم نمیتوانیم ما اسقاط حق کسی را بکنیم پس در این موارد خوب است برای اینکه رفع هرگونه حریفی شده باشد عدلیه این نوع دعاوی را بمحاضر شرع ارجاع کند و مضمول ماده ۱۴۵ قانون اصول محاکمات شود. بنده برای استحضار خاطر آقایان ماده ۱۴۵ قانون اصول محاکمات را میخوانم و تذکر میدهم ماده ۱۴۵ موارد ذیل را محاکم عدلیه به محضر عدول مجتهدین ارجاع خواهند کرد. چند مورد است که یکی از آنها مورد (ه) است که بطور حروف ابجد نوشته شده و حاکی از موردی است که قطع و فصل خصومت جز باقاعه شهود و بینة طور دیگر ممکن نیست این مورد دعاوی پیش از چهل سال هم ضروری ندارد که یکی از موارد این ماده ۱۴۵ باشد که مختص بمحاضر شرع باشد و بنده تصور میکنم اگر این ماده بترتیبی که بنده پیشنهاد کرده ام اصلاح و تصویب شود یعنی در مواردی که محاکم عدلیه به تمسک این قانون بدعاوی بیش از چهل سال رسیدگی نمی کنند اقلاً ارجاع به محضر کنند که قضیه بحلف و احلاف خاتمه پیدا کنند خیلی خوب و جمع بین تمام نظریات است

مخبر - بنظر بنده معلوم میشود آقای معتضد به بیانات حضرت آقای مدرس توجهی نفرمودند، اولاً در هیچ مملکتی حق يك دعوائی قابل اسقاط نیست منتهی صحبت این است که دعاوی که مدت آن از چهل سال گذشته باشد برای محاکم عدلیه اصلاح آن هیچ وجه مقدور نیست و عدلیه بهیچ عنوان الزامی ندارد که در این قبیل دعاوی اقدام و مداخله کند و تکلیفی ندارد که بمحضر شرع بفرستد یا بفرستد البته هر کس میل دارد در حدود قوانین مملکتی برود بمحاضر شرع

و متداعین خودشان حاضر باشند کسی مانع نیست مطلب این است که عدلیه این التزام را ندارد نه از نقطه نظر قانون و نه از نقطه نظر شرعی برای عدلیه مقدور نیست که در این قبیل دعاوی رسیدگی نماید این است که باز استدعا دارم آقای پیشنهادشان را مسترد بفرمایند.

رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(کسی قیام نکرد)

رئیس - تصویب نشد. ماده الحاقیه پیشنهادی آقای امامی (باینطور قرائت شد)

ماده الحاقیه - ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه - راجع به ثبت اموال غیر منقول که قبل از تصویب این قانون تقاضای ثبت آنها شده است در صورتیکه چهارمین اعلان منتشر شده باشد مدت اعتراض مطابق قانون سابق چهار ماه خواهد بود

رئیس - آقای امامی

امامی - بنده توضیح زیادی ندارم. بطوری که خاطر آقایان مستحضر است يك اشخاصی هستند که قبل از تصویب این قانون تقاضای ثبت املاک خودشان را کرده اند. بموجب قانون سابق مدت اعتراض چهار ماه بوده ولی بموجب این قانون پنج ماه است اگر پس از تصویب این قانون در باره اشخاصی که سابقاً تقاضای ثبت کرده اند بخوایم همین پنج ماه را قائل شویم تصور میکنم يك ظلمی نسبت بآنها خواهد بود از این جهت بنده این پیشنهاد را کردم که مدت نسبت بآن اشخاص همان چهار ماه باشد

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم آقایان در این مسئله موافقت خواهند کرد برای اینکه همانطور که گفته شد يك عده قبل از این قانون تقاضای ثبت کرده اند و در جریان است و هنوز چهار اعلان آن منتشر نشده

ولی يك قسمتی چهار مرتبه اعلان نسبت بآنها منتشر شده نسبت باین عده اگر بخوایم مدت طولانی قائل شویم البته اسباب زحمت آنها خواهد بود از این جهت بنده باین پیشنهاد ایشان موافقت میکنم

مخبر - بنده هم موافقت میکنم. چون نسبت بیک املاکی که تقاضای ثبت شده و چهارمین اعلان منتشر شده نسبت باین قسمت باید مطابق قانون سابق رفتار کرد یعنی مدت همان چهار ماه باید باشد این يك توضیحی است و الا اساساً قانون شامل سابق نمیشود از این جهت بنده این پیشنهاد را قبول کردم

رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده (شرح آتی خوانده شد)

ماده الحاقیه - حق الثبت معاملاتی که نسبت باملاک ثبت شده واقع میشود از قرار صدی ربع خواهد بود کلالی - صدی ربع از يك مقصود است یکی از نمایندگان - این پیشنهاد همان است که سابقاً شده بود و آقای مخبر هم قبول کردند

رئیس - آقای رفیع پیشنهاد کرده اند در موقع خودش رای گرفته می شود پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا محمدولی میرزا - پیشنهاد بنده هم عین پیشنهاد آقای حاج آقا رضا است

رئیس - پیشنهاد آقای بیات

بیات - بنده هم مسترد میدارم

رئیس - ماده الحاقیه پیشنهادی آقای فیروز آبادی که آقای مخبر قبول کردند قرائت میشود و رای میگیریم (شرح سابق خوانده شد)

فیروز آبادی - يك اصلاحی در این جا لازم است از (هزار و کمتر) مقصود این است هزار را هم شامل باشد رئیس - اصلاح آقای ضیاء نسبت به پیشنهاد آقای فیروز آبادی قرائت میشود (اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میشود که بآخر ماده الحاقیه پیشنهادی آقای فیروز آبادی علاوه شود: و همچنین مؤسسات خیریه از پرداخت حق الثبت و اعلانات معاف میباشند

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - آقایان همیشه توجه دارند که مؤسسات خیریه و مریضخانه يك اعانت هائی بشود از این جهت امیدوارم آقای وزیر عدلیه هم موافقت با قبول این قسمت بفرمایند

رئیس - آقای مخبر

مخبر - متأسفانه بنده این پیشنهاد را نمیتوانم قبول کنم برای اینکه يك راهها و ابواب باز میشود که اسباب اختلال این کار را فراهم خواهد آورد

رئیس - رای میگیریم. آقایانیکه پیشنهاد آقای ضیاء را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (معدودی قیام کردند)

رئیس - تصویب نشد

ماده الحاقیه آقای فیروز آبادی

(مضمون ذیل خوانده شد)

در مورد ثبت املاکی که قیمت آن کمتر از هزار تومان است فقط حق الثبت تومانی يك شاهی دریافت میشود و مخارج اعلان آن بعهده دولت خواهد بود

رئیس - آقایانیکه این ماده الحاقیه را تصویب می کنند قیام فرمایند

(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقای حاج آقارضا رفیع (باین عبارت خوانده شد)

ماده الحاقیه - برای هر ورقه که به ثبت رسید بیش از يك دفعه صدی نیم پرداخت نمیشود و در دفعات بعد حق الثبت صدی ربع از يك دریافت میگردد

بکنفر از نمایندگان - همان صدی ربع کفایت میکند



رئیس - آقای مخبر راجع به پیشنهاد آقای حاج آقا رضا اصلاحی پیشنهاد کرده اند قرائت میشود (مضمون ذیل خوانده شد)  
در مورد ثبت نقل و انتقال که نسبت باملاک ثبت شده بعمل میاید فقط تومانی نیم شاهی حق الثبت دریافت خواهد شد

وزیر عدلیه - بنده هم موافقت میکنم

رئیس - رأی گرفته میشود باین ماده که ماده ۷ است آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده الحاقیه آقای امامی که آقای مخبر قبول کرده اند (باین کیفیت خوانده شد)

راجع باملاکی که قبل از تصویب این قانون تقاضای ثبت آنها شده است در صورتیکه چهارمین اعلان منتشر شده است مدت اعلان مطابق قانون سابق چهار ماه خواهد بود

رئیس - رای میگیریم بماده هشتم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده نهم (باین کیفیت خوانده شد)

ماده ۹ - وزارت عدلیه مامور اجرای این قانون است

وزیر عدلیه - خوب است اضافه بفرمائید و رارتین عدلیه و مالیه مامور اجرای این قانون خواهند بود مدرس - چه ضرورتی دارد؟

وزیر مالیه - برای اینکه عایدات دارد.

رئیس - آقای حاج آقا رضا

حاج آقا رضا رفیع - عرض میکنم اگر در این لایحه مسئله اخذ پول نبود بنده اظهاری نمیکردم اما

چون مسئله پول در کار است که عدلیه باید بگیرد به مالیه بدهد آنچه را که در حدود کار عدلیه است بابد او مسئول و مامور اجرا باشد در آن قسمتی هم که راجع بمالیات است و باید بمالیه برود باید وزیر مالیه مامور اجرا باشد و همینطور که خود آقای وزیر هم پیشنهاد و اظهار کردند باید بعقیده بنده وزارت مالیه هم ضمیمه شود.

رئیس - مالیه هم ضمیمه میشود

(ماده نهم بشرح ذیل خوانده شد)

وزارتین عدلیه و مالیه مامور اجرای این قانون خواهند بود

رئیس - آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد مذاکرات راجع بکلیات است مخالفی ندارد

(گفته شد خیر)

رئیس - رای گرفته میشود باین قانون آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

بعضی از نمایندگان ختم جلسه

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم بلکه یقین دارم آقایان راضی نخواهند شد که نیم ساعت زودتر غذا بخورند ولی يك كاري که خیلی لازم است همینطور بهاد وضعیت عدلیه امروز طوری بود که ذغال نداشتند خوب است باندازه نیمساعت آقایان تأمل فرمایند و این يك ماده مالی این مسئله را هم بگذرانند که خیلی بموقع خواهد بود مخصوصاً روی سخن بنده به آقایان و کلاء ولایات است که بمن فشار میآوند

رئیس - آقای فیروز آبادی ختم جلسه را پیشنهاد کرده اند

فیروز آبادی - چون یکساعت و نیم از ظهر گذشته و اگر بخواهیم چیزی را مطرح کنیم باز مدتی طول خواهد کشید از این جهت بنده عقیده دارم که جلسه ختم شود و اگر مطلبی هست بماند برای جلسه بعد

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض میکنم تصویب مواد این قانون و اجرای آن مستلزم داشتن پول و تصویب مواد مالی است و الا مثل این است که يك کسی را بدون اسلحه و حربه بچنگ بفرستیم باید يك ترتیبی کرد که وزیر

عدلیه قادر بعمل کردن این قانون بشود . وقتی که ما قانونی را وضع کردیم البته باید وسائل و موجبات عملی کردن آنرا هم از لحاظ قسمت مالی فراهم کنیم بعلاوه پنج شش دقیقه هم بیشتر کار ندارد خوب است آقایان تأمل فرمایند و این ماده را هم بگذرانند

(در این موقع جمعی از نمایندگان از مجلس خارج شدند)

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم گرسنگی کاری باقیان کرده که نمیتوانند بیش از این صبر کنند حالا که اینطور است بماند برای فردا جلسه یکساعت و ربع از ظهر گذشته ختم شد

## قانون

### ثبت عمومی املاک و مرور زمان

مصوب ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۶

ماده اول - کلیه اموال غیر منقول اعم از املاک مزروعی و مستغلات و غیره باید در دفاتر ثبت املاک ثبت شود.

در نقاطی که اداره ثبت اسناد موجود است از تاریخ تصویب این قانون تا سه سال و در سایر نقاط از تاریخ افتتاح اداره ثبت املاک در هر حوزه ثبت تا سه سال کلیه اشخاصیکه بعنوان مالکیت متصرف املاک واقع در آن حوزه هستند باید تقاضای ثبت نمایند و چنانچه کسی در ظرف پنج ماه از تاریخ اولین اعلان تقاضای ثبت نسبت بتقاضای مزبور اعتراضی نکرد ملک که ثبت آن تقاضا شده است در دفتر املاک قطعا ثبت و دیگر نسبت بان از طرف احدی اعتراضی پذیرفته نخواهد شد و اداره ثبت املاک سند مالکیت رسمی ملک را صادر خواهد کرد و همچنین اگر معترض در ظرف دو ماه از تاریخ تقدیم اعتراض بدون عذر موجه آنرا در محاکم صالحه تعقیب نکرد و یا پس از تعقیب در مدت دو ماه آنرا مسکوت گذاشت حق اعتراض او ساقط و اداره ثبت املاک باید سند مالکیت رسمی را صادر نماید

اداره ثبت املاک بدون نقشه بر داری سند مالکیت تقاضا کننده را با همان حدود که تقاضا شده و مورد اعتراض واقع نگردیده صادر مینماید

حق الثبت در سه سال اول که فوقا ذکر شد صدی نیم [تومانی یکشاهی] خواهد بود که نصف آن در حین تقاضای ثبت و نصف دیگر در حین صدور سند مالکیت باید تادیه شود در سال چهارم حق الثبت صدی يك و برای هر سال تاخیر صدی يك علاوه خواهد شد

تقاضای ثبت راجع باملاک متصرفی دولت بعهده اداره مالیه و نسبت باملاک و مؤسسات بلدی و خیریه بعهده رئیس

مؤسسه و در موقوفات بعهدہ متولی و در مورد املاک مجبورین بعهدہ ولی یا قیم آن میباشد  
تبصرہ ۱ - تقاضا کننده باید قیمت ملک را از روی قبضه و یا ده برابر ثلث عایدات خالص سه سال  
اخیر معین نماید.

تبصرہ ۲ - برای آگاهی عامه اداره ثبت املاک در موقع تشکیل در هر حوزه و بعد سالی یکمرتبه تا  
سه سال باید هیئت مرکب از سه تا پنج نفر معتمدین محل و سه نفر از مأمورین مهم آن حوزه تشکیل دهند که  
بوسیله اعلان و ابلاغ و جار اهالی حوزه ثبت را از این قانون مطلع سازند

ماده دوم - عایدات حاصله از اجرای این قانون در درجه اول صرف توسعه ادارات ثبت و اضافه آن صرف  
توسعه تشکیلات قضائی مملکت خواهد شد

ماده سوم - مدت مرور زمان نسبت به قبل از تصویب این قانون از تاریخ منشاء دعوی چهل سال  
شمسی است.

صاحب دعوی میتواند هرگاه از تاریخ منشاء دعوی کمتر از چهل سال گذشته از بقیه مدت تا چهل سال  
شمسی استفاده کند باین ترتیب؛ در هر دعوائی نسبت بعین غیر منقول که بعنوان مالکیت در تصرف کسی است  
هرگاه تاریخ منشاء و سبب تولید دعوی چهل سال شمسی یا زیادتر قبل از تصویب این قانون بوده و در مدت  
چهل سال شمسی هم در هیچیک از محاکم وقت اقامه نشده بتقاضای مدعی علیه که باید تا اعلان ختم محاکمه در مرحله  
ابتدائی بعمل آید محکمه قرار منع تعقیب دعوی را خواهد داد و هرگاه تاریخ منشاء و سبب تولید دعوی کمتر از  
چهل سال شمسی باشد تاخاتم چهل سال شمسی پذیرفته خواهد شد

مدت مرور زمان راجع بدعوی نسبت بعین غیر منقول که پس از تصویب این قانون تولید میشود از تاریخ  
منشاء دعوی بیست سال است

تبصرہ - در مرحله استینافی فقط وقتی میتوان از مرور زمان استفاده کرد که از حکم غیابی استیناف  
شده باشد.

ماده چهارم - بایراد مرور زمان خواه قبل از رسیدگی بدعوی و خواه در ضمن رسیدگی اظهار شود  
محکمه مکلف است علیحده رسیدگی کرده قرار صادر نماید و اینقرار خواه مبنی بر رد ایراد باشد و خواه مبنی بر قبول  
مستقلاً قابل استیناف و تمیز است و مادامی که تکلیف قرار در مراحل استیناف و تمیز معین نشود محکمه ابتدائی  
رسیدگی را بتاخیر خواهد انداخت

طلبکاران و ضامن مدعی علیه میتوانند در صورتیکه عدم استناد مدعی علیه بمروور زمان موجب ضرر آنها  
باشد وارد دعوی شده بمروور زمان استناد نمایند

در صورتیکه مدعی علیه اقرار بمالکیت مدعی نماید مدت مرور زمان قطع میشود و همچنین است اگر مدعی علیه  
در سندی که بخط یا امضاء مسلم اوست اقرار بمالکیت مدعی کرده و از تاریخ سند مدت مرور زمان نگذشته باشد

ماده پنجم - مرور زمان بر علیه کسانی که بعلت خطر جانی یا ناموسی و یا بعلت مخاطره در اموال خود یا  
اقرباء نزدیک خود نتوانسته اند اقامه دعوا نمایند جاری نمیشود مگر بعد از زوال مانع

مرور زمان بر علیه کسانی که در تحت ولایت هستند مثل صغیر و مجنون و سفیه جاری نمیشود  
زوج و زوجه نمیتوانند نسبت بیکدیگر از مرور زمان مزبور در ماده سوم استفاده نمایند نسبت باملاک

که در دفتر ثبت املاک ثبت شده است مرور زمان جاری نمیشود  
مرور زمان قابل اسقاط است ولی اسقاط آن وقتی ممکن است که بواسطه مرور مدت معینه در اینقانون  
حاصل شده باشد

اسقاط مرور زمان باید صریح باشد  
متولی و قیدم و ولی و هم چنین کسی که ممنوع از تصرف در مالی است نمی تواند مرور زمانی  
را که برای او حاصل شده اسقاط کند

ماده ششم - در مورد ثبت املاکی که قیمت آن کمتر از هزار تومان است فقط حق الثبت تومانی یکشاهی  
دریافت میشود و مخارج اعلان آن بعهدہ دولت خواهد بود

ماده هفتم - در مورد ثبت نقل و انتقال که نسبت باملاک ثبت شده بعمل می آید فقط تومانی نیم شاهی حق الثبت  
در یافت خواهد شد

ماده هشتم - راجع به ثبت اموال غیر منقولی که قبل از تصویب این قانون تقاضای ثبت آنها شده است  
در صورتیکه چهارمین اعلان منتشر شده باشد مدت اعتراض مطابق قانون سابق چهار ماه خواهد بود

ماده نهم - وزارتین عدلیه و مالیه مأمور اجرای اینقانون میباشند

اینقانون که مشتمل بر نه ماده است در جلسه ۲۱ بهمن ماه یک هزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس  
شورای ملی رسید رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا